

آینه آینه‌پژوهش

نشر آینه پژوهش چون در آستانه شماره «صد» قرار گرفت، بانیان آن سزایند چنان دانستند که به نقد «آینه پژوهش» بنشینند و از پس فهم استواری این اندیشه و کار آمدی این نظر، در اندیشه شدند که چگونگی‌ها، بایستگی‌ها، نیابستگی‌ها و چندی و چونی مجله را در آینه صاف و بی‌غبار خوانندگان بنگرند. از این روی عزم کردند تا از خوانندگان، استادان و فرهیختگان و اندیشوران قبیله قلم بخواهند که:

بنویسند، نقد کنند، راهنمایی خود را عرضه کنند و با نوشتن و نقد کردن و ارزیابی‌های خود از مجله بانیان آن را بنوازند و از چگونگی‌ها و چه سانی‌های مجله سخنی به میان آورند و از آرزوها و آرمان‌های کوتاه و بلند خود در سمت و سوی که مجله نشر می‌یابد پرده بردارند ...

بواقع از خوانندگان خواستند شماره «صد» را «آینه» «آینه پژوهش» بدانند و چگونگی آن را در صافی حقیقت نمای بنان و بیان خود بنمایانند تا بانیان نیز با چگونگی‌ها آشنا شوند و چین و چروک‌های صورت کار خود و کاستی‌ها و شایستگی‌های تلاش خود را دریابند و اینهمه پاسخ‌هایی است به فراخوان مجله با سپاس از عزیزان پاسخ‌گو و دست‌مریزاد به همه آن بزرگواران.

فرم نظرخواهی:

استاد ارجمند، محقق عالیقدر.....

باسلام و احترام

امیدوارم به کامی و بهروزی همبر زندگی آن بزرگوار و توفیق مدام باشد

اکنون- به توفیق الهی و مدد متفکران و اندیشوران و همراهی و همدلی فرهیختگان و قبیله قلم- مجله آینه پژوهش در آستانه نشر صدمین شماره است. بانیان مجله برآنند که صدمین شماره را ویژه نقد و بررسی آنچه گذشته است قرار دهند و با نگاهی به گذشته از طریق ارزیابی دقیق آن، «اکنون و چند و چونی حال» را باز شناسند و برای فردایی بهتر تجهیز شوند. از این روی امیدوارند دیدگاه آن فرهیخته ارجمند را درباره نکات ذیل دریابند و در صورت صلاحدید حضرت عالی پاسخ را در شماره ویژه به چاپ سپارند:

۱. چه تعداد از شماره‌های مجله را- تقریباً- مطالعه کرده‌اید.

۲. چه بخشها و چه نوع مقالاتی از مجله برای شما جذابیت بیشتری داشته است.

۳. چه نوع بحثها، مقالات و یا بخشهایی را لازم می‌دانید بر صفحات مجله افزوده شود.

۴. چه نقدهایی را متوجه شماره‌های گذشته می‌دانید.

۵. در شماره‌های آغازین، مجله بخشی داشت با عنوان بایسته‌های پژوهش. این بخش برای آن رقم گشوده شده بود که پژوهشیان ارجمند و عالمانی که احتمالاً به موضوعات، آثار، کتابها و مسائلی اندیشیده‌اند و مجال پرداختن بدانها و به سامان آوردن آنها را نداشته‌اند، از این طریق آن همه را در پیشدید دیگران که شاید چنان مجالی را فراچنگ داشته باشند، بنهند و بدین سان بر پربرگ و باری میراث مکتوب یاری رسانند. اکنون سزایند می‌دانیم که پیرسیم حضرت عالی چه کتابهایی را شایسته ترجمه می‌دانید، و یا کدام کتاب از متون کهن را بایسته تحقیق و بازخوانی و نشر می‌شناسید، و یا به چه موضوعاتی اندیشیده‌اید و همواره در ژرفای جان می‌خواستید که ای کاش آن موضوع پژوهش می‌شد و نشر می‌یافت، و بالأخره چه طرح و طرحهایی را ضروری می‌دانید تا اجرا شود و اگر شما را مجالی بود چنان می‌کردید و اکنون علاقه مندید دیگران بدان پردازند و ...

باسمه تعالی

جناب آقای جنتی، باسلام و احترام

حسب الامر چند سطرى نگاشته ام که تقدیم می دارم، اگر صلاح دیدید چاپ کنید و تصرف عدوانی هم مانعی ندارد، هر چند پیشتر برای آن کسب اجازه هم نمی کردید!

من زرخسار تو آینه پرستم زیرا که هم آیین و هم آینه صاحب نظری
نشر صدم شماره آینه پژوهش مجالی است فرخنده که قلم به دستانی، قلمی های خویش و قبیلۀ خویش را
باز خوانند و صد که هزار خاطره شیرین برگ شماری این دانش نامه گرامی را به یاد آورند و به گوش جان باز
نیوشند که الحق «هر ورقش دفترى است ...»؛ و ترتم کنند که:

هر چند چو آینه یک حرف نمی گوئی صد طوطی خامش را سرگرم سخن داری
باری، کمتر گرامی نامه ای چنین دولت و اقبال می یابد که شایستگان با پامردی در فراز و نشیب های این
سرزمین و این سرزمان، آن را چنین پاس دارند:

دلچسپ چو آینه خاموش گویاست به دست بوالعجب آینه داری

کز او در آینه ساعت به ساعت همی تابد عجب نقش و نگاری

و صاحب قلمانی بی جویایی نام بر سر آن از سر خامۀ خویش بگذرند:

باده بارندان صافی سینه می باید زدن حُسن اگر داری در آینه می باید زدن

و سرانجام صاحب نظرانی - نه اندک - چنینش زمزمه کنند که:

صاف کن سینه اگر ذوق تماشا داری که از این آینه آفاق سراسر پیداست

و البته از حق نباید گذشت که راد مرد فرزانه جناب مهدوی راد، و فاضل فرهیخته جناب جنتی را بر گردن
این نشریه حقی است عظیم و به ویژه خوش خویی و قلم پروری و بردباری و پایداری این دوم عزیز را باید
ستود و بر دست اندر کاران، برای این انتخاب دست مریزاد گفت و از هم ایشان خواست که برگزیده خویش
را نیک بنوازند.

و اکنون که آینه پژوهش اصحاب خویش را به آیینی یادآور جشن سدگان، فراخوانده و فرموده که:

دیران پژوهش به کار آورند کم و بیش آن در شمار آورند

نکته هایی را محض استیناس بر کاغذ می آورم:

۱. نوشته های کوتاه - آن گونه که در معرفی های اجمالی نمودار است - بیش از مقاله های بلند مورد توجه
قرار می گیرد و فتح باب آن در آینه پژوهش را باید ارج نهاد. این بخش را می توان به چند حوزه دیگر هم
تعمیم داد:

یکی معرفی اجمالی نرم افزارهای حوزه علوم انسانی - چه آنها که در داخل کشور تولید می شود و چه آنها که در

فراسوی مرزها و بیشتر در کشورهای عربی فراهم می‌آید - که همه را یک به یک باید شناساند و مجال نقد و بررسی آنها را فراروی محققان گشود.

دوم معرفی پایگاه‌های اینترنتی است که کارایی آنها برای پژوهشگران انکار ناپذیر است.

سوم چنانچه آینده پژوهش با مؤسسات آموزش عالی قراردادی منعقد سازد که نسخه‌ای از پیشنهاد (= پروپوزال)‌های پایان‌نامه‌های دکتری و کارشناسی ارشد و کارشناسی و نیز طرح‌های پژوهشی اعضای هیئت علمی خود را در حوزه علوم انسانی به مجرد تصویب برای دفتر مجله ارسال کنند و از این سو بخشی هم در مجله به معرفی چنین تحقیقات در حال انجام اختصاص یابد، این آینده‌داری هم از پژوهش‌های مکرر و موازی بر حذر خواهد داشت و هم وضعیت پژوهش در کشور را به اطلاع محققان خواهد رساند.

دیگر آنکه اهل تحقیق می‌دانند گاه در جریان مطالعات و جستارهای خویش، به نکته‌های تازه‌یابی برمی‌خورند که ساعت‌ها آنان را سرخوش و سرگرم می‌دارد. این نکته‌ها که معمولاً نطفه‌ی مقالات پژوهشی است، گاه چنین حظی نمی‌یابند که پرورده شوند و به صورت مقاله‌ای در آیند و بدین روی در گوشه‌ی ذهن و یا در لابه‌لای یادداشت‌های آنان به فراموشی سپرده می‌شوند. اگر در بخشی از مجله، این «نویافته‌های پژوهشگران» را - که اغلب در یکی دو بند گزارده می‌شوند - عرضه شوند، طراوت و سرمستی‌یابنده‌ی آن به دیگران هم تسری می‌یابد و به یقین گره از کار تحقیق بسیاری خواهد گشود.

پنجم، در کنار تجدید و احیای بخش «بایسته‌های پژوهش»، به نظر می‌رسد بخشی هم به عرضه‌ی سؤالات پژوهشگران اختصاص یابد تا هر محقق در جریان کار خود به مانعی رسید که گذر از آن برایش میسر نبود، از خانواده‌ی بزرگ مخاطبان آینده پژوهش استمداد کند و فرصتی برای تضارب آرا پیش آورد که این به یقین برکت آفرین خواهد بود و چه بسا سر نخ‌های تحقیق که از این میان به دست آید.

۲. شناسایی گسترده اهل قلم و اهل نظر و ارسال نشریه برای آنان نیز کاری بسزاست تا اولاً گویان بیشتری قدر این گوهر بدانند و ثانیاً، با گسترش اصحاب‌آینه و تماشاگران آن، پرباری و ماندگاری آن تضمین گردد. بیش از این تصدیع را روانی دارم که صائب فرمود:

حالت آینه بر ارباب بینش روشن است جوهری گرداری ای روشن سخن خاموش باش

سید محمد رضا ابن الرسول
دانشگاه اصفهان

باسمه تعالی شأنه

سرور دبیرین دانشمند، استاد ارجمند، حضرت حجت الاسلام آقای مهدوی راد (دام ظلّه)

با عرض سلام و تجدید مراتب اخلاص و احترام

در پاسخ نامه آن جناب راجع به تدارک ویژه نامه گرامی آینده پژوهش، ضمن عرض تحیات و تهنیت قلبی به مناسبت این امر پر میمنت، و تقدیر و تقدیس مساعی جمیله شما طی هفده سال انتشار مستمر نامه کرامند که خدا داند چه اندازه در آگاه گری اهل علم و کتاب خوانان و ترویج معارف مصدر خدمات ثمینه بوده اید - جزا کم الله تعالی خیر جزا - در امثال امر عالی به سؤالات مطروحه اختصاراً جوابگو می شود:

۱. تمامی شماره های مجله را - که هم از شماره نخست لطفاً برای حقیر امر به ارسال فرموده اید - تقریباً من البدو الی الختم مطالعه کرده ام.

۲. البته بخش کتابگزاری ها، نقد و نظرها، و مقالات تحقیقی (که حظاً وافر یافته ام).

۳. مباحث و مقالات در باب کتاب ها و متون تاریخ علم، تاریخ فرق شیعه. و به عقیده بنده گفتارهای دین شناسی تطبیقی (چون به هر حال مجله وابسته به حوزه علمیه مذهبی است) - که جای آن در مجله خالی بوده است.

۴. به نظر این جانب بعضی از موضوعات مذهبی که در عصر حاضر «کارکرد» (Function) خود را از دست داده اند و به اصطلاح قدیمی و متروک یا منسوخ شده اند، قلمفرسایی درباره آنها یا کتابگزاری متون آنها حرام کردن کاغذ و مرکب است؛ چیز نوشته هایی که هیچ سودی برای حال و مآل مردم کتاب خوان ندارند. بنده گمان می کنم بهترین معیار و ملاک یا شعار در امر بهگزینی مطالب و نقد النصوص و مقالات واصله، همین آیت شریفه تواند بود که: «و اما الزبد فیذهب جفاءاً و ما ینفع للناس فیمکث فی الارض». امیدوارم عرض خود را توانسته باشم به اشارت بیان کرده باشم.

۵. همان بخش «بایسته های پژوهش» (در شماره های نخستین) مؤید عرایض قبلی بنده است. واقعاً باید دید که نیاز جامعه امروزین از حیث اطلاعات تحقیقی و علمی و کتاب شناسی چیست و اصل سودمندی مطالب و آنچه «ما ینفع للناس» برای اهالی کتاب باشد، کدام است. در امر دایر کردن چنین بخشی و یا بخش های ضروری و مفید در عرصه اطلاع رسانی موافق با مقتضیات و مطالب زمانه اقدام جدی مبذول نمود. زیاده از کئی گویی های خود اعتذار می نمایم. توفیق بیش از پیش آن عزیزان با اخلاص را همواره مسئلت دارم. مدی الايام و الشهور بطول السنین و الدهور

مخلص اردتمند قدیمی: اذکاتی

همدان

۸۵/۸/۱۶

بسم الله الرحمن الرحيم

مدیر محترم مجله آینه پژوهش جناب آقای جنتی (سلمه الله)

اکنون که مجله آینه پژوهش در آستانه طلوع یکصدمین شماره خود است، مناسب دیدم از زحمات مدیران و همه دست اندرکاران تدوین و نشر مجله و نیز از ارباب علم و اصحاب قلم که از مقالات پرمایه آنها در مجله تاکنون بهره گرفته ایم، تشکر و قدردانی کنم. این سفره ای که شما گسترده اید و این فضای علمی ای که ایجاد کرده اید، برای دانشمندان و محققین حوزه و دانشگاه عرصه بروز و ظهور ابتکارات علمی یا گزارش های جالب و ناشنیده یا نقدهای متین و درس آموز می تواند باشد. هم شما که در گزینش و چینش این مقالات و رعایت تناسب مطالب هر شماره اعمال هنر و سلیقه می کنید هم نویسندگان بخش های مختلف که مباحث هر شماره را فراهم می آورند و به واقع پرکننده سفره گسترده شما هستند، در تعالی و تعمیق پژوهش های دینی و نشان دادن اصالت و عظمت فرهنگ اسلامی سهیم و در اجر معنوی آن شریک هستید؛ چرا که «ان الله لا یضیع اجر من احسن عملاً».

نکاتی چند از سر مهر و وفا و در پاسخ دعوت پر صدق و صفای شما معروض می دارم:

۱. از جمله شایستگی های ارباب مجله دارا بودن سابقه کاری زیاد است. شما انبوهی از تجربیات را همراه دارید و با بسیاری از صاحبان قلم ارتباط برقرار کرده اید. چه بسیار نویسندگانی که در سابق با شما همکاری خوبی داشته و اکنون به رحمت ایزدی پیوسته اند و باید از آنان نیز یاد و تجلیل شود و چه بسیار نویسندگانی که پیشگام طرح برخی مباحث و مبتکر در گشودن ابواب مختلفی از علوم بوده اند و امروز کمتر از آنان یاد می شود. سهم و ارزش و قدر بزرگان اهل قلم به جای خود، ولی امروز باید مراقب باشید که با وارد شدن مجلات و نویسندگان جوان و پرتلاش حوزوی و دانشگاهی به عنوان رقبای عرصه علم و مطبوعات دینی، پیشگامی و رونق خود را از دست ندهید.

۲. عنوان مجله شما عام و فراگیر است و در حوزه کتاب و کتاب شناسی دینی، طیف وسیعی از پژوهش های علمی را پوشش می دهد و این کمک خوبی است که مجله را تنوع ببخشید؛ چرا که در مقایسه با مجلات تخصصی که محدود به فلسفه و کلام یا تاریخ و سیره یا ادبیات و هنر یا فقه و اصول هستند، دست شما در تدوین هر شماره بیشتر باز است و همین توقع بیشتری ایجاد می کند که از انتشار مقالات کم محتوا و بی مایه یا بی خاصیت که مصداق روشن «علم لا ینفع» است و از آن باید به خدا پناه برد، پرهیز کنید و از سوی دیگر در گزینش برخی مقالات و سواس علمی پیدا نکنید و دارا بودن درصد بالایی از معیارهای علمی را کافی برای چاپ و نشر بدانید.

۳. تأخیر نداشتن در عرضه شماره جدید در موعد مقرر امتیازی دیگری برای شماست که نشان می دهد مایه های اصلی مجله همواره بیش از نیاز یک شماره موجود است، ولی از سوی دیگر توقع می رود که تدبیری اتخاذ کنید تا مقالات رسیده که از امتیاز کافی برای نشر برخوردار هستند، در فایل ها محبوس نمانند.

هر مقاله می تواند جرقه ای باشد که خرمن افکار دیگران را روشن کند. پس مقالات خوبی که ماه ها کنار

می مانند و کهنه و بیات می شوند و ابتکار و سبقت و نوآوری نویسندگان آنها با آمدن مقالات مشابه نادیده انگاشته می شود، مورد جفا قرار گرفته اند.

۴. اگر تصمیم به برقراری جشنواره تولد یکصدمین شماره مجله را دارید، می توانید برنامه های زیر را در دستور کار خود قرار دهید:

(الف) بررسی وضعیت مجلات حوزه دین در یک دهه اخیر از حیث محتوا، چاپ، نشر و مدیریت که ترجیحاً از سوی یکی از مقامات دولتی در وزارت ارشاد یا شخص وزیر انجام شود.

(ب) ارتباط مجله با نشریات همسو که از طریق جناب عالی گزارش می شود.

(ج) بررسی مشکل نویسندگی و ویرایش در مجلات دینی که یکی از ویراستاران پرسابقه و پرمایه باید عهده دار آن شود و فرصت خوبی برای ساماندهی کار ویرایش با ارائه پیشنهادهای لازم می تواند باشد.

(د) وضعیت نویسندگی در حوزه های علمیه که ترجیحاً یکی از نویسندگان پرسابقه در مجلات حوزوی عهده دار تبیین آن باشد.

(ه) برگزاری مراسم تقدیر از:

- پرکارترین نویسنده به لحاظ همکاری با این مجله (فقط با لحاظ سابقه و کمیت کار)؛

- بهترین نویسنده در ارائه مقالات با کیفیت در رشته نقد، معرفی، تحقیق علمی و ...؛

- بهترین خواننده و ناقد مجله یا مشاور علمی و ارزیاب؛

- بهترین نیروی اجرایی در دفتر مجله که زیر نظر سردبیر و مدیر اجرایی کار می کند؛

(و) انتقال تجربیات سردبیر در برخورد با نویسندگان و چگونگی اداره مجله و تقدیر و تشکر از حضار.

۵. همزمان با برگزاری جشنواره مذکور انتشار چند ویژه نامه در فضای این جشنواره برای حضاران می تواند جالب باشد؛ از جمله:

(الف) فهرست مقالات همه شماره ها در یک شماره؛

(ب) فهرست موضوعی مقالات که مهم تر از فهرست اول است؛

(ج) گلچین بهترین مقالات از بخش های مختلف در یک شماره ویژه؛

(د) گلچین نامه های اصل و انعکاس نقطه نظرات اعلام و شخصیت ها درباره مجله.

وَفَقِّمِ اللّٰهَ وَايَانَا لخدمَةِ الْاِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ

وَاَنَا الْعَبْدُ الرَّاجِي رَحْمَةَ رَبِّهِ الْبَارِي

رضا اسلامی ۸۵/۲/۱۵

بسمه تعالی

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدعلی مهدوی راد (دام عزه)

سر دبیر محترم مجله آینه پژوهش

سلام علیکم

احتراماً، نامه شماره ۱۴۲۴ / پ ۸۵/۷/۲۶ آن برادر ارجمند عز و وصول بخشید. حقیر پس از دریافت نامه در پی مجالی بودم که دعوت شما را به گونه ای مبسوط پاسخ دهم و بدین وسیله زحمات فراوان شما و سایر همکاران را ارج نهم، ولی متأسفانه توفیق نیافتم و از طرفی بی پاسخ گذاشتن نامه شما را نیز روانمی دانستم. چنین شد که تصمیم گرفتم چند سطری به مقتضای ادب تقدیم دارم.

بحمدالله مجله وزین آینه پژوهش در مجموعه مجلات پژوهشی به ویژه مجلاتی که ویژه نقد کتاب و معرفی آثار پژوهشی در ساحت های دینی هستند، از جایگاه بلند و شایسته ای برخوردار است.

صرف نظر از انبوه کتاب های دینی که متأسفانه بسیاری از آنها محتوایی سست و عوامانه دارند و بعضاً آمیخته با خرافات و مطالب بی پایه و اساس اند و به وفور چاپ و نشر می شوند و به هیچ وجه درخور معرفی و یا نقد و بررسی نیستند، در سال های اخیر به برکت انقلاب اسلامی تولید کتاب و آثار علمی پژوهشی در عرصه دین به نحو چشمگیری فزونی یافته است و این البته امر مبارک و ارزشمندی است، ولی صد البته اگر این آثار به وسیله نقادان توانمند و شایسته مورد ارزیابی قرار نگیرند و در کوره نقد عیار آنها سنجیده نشود و سره از ناسره جدا نگردد، تولید و عرضه آثار دینی جایگاه واقعی خویش را نخواهد یافت.

این جانب از علاقه مندان مجله آینه پژوهش بوده و هستم و تقریباً همه شماره های آن را اجمالاً دیده ام و از برخی مقالات آن استفاده کرده ام. به نظر می رسید برگزاری میزگرد و انجام مصاحبه با صاحب نظران و فرهیختگان عرصه نقد و تصحیح و پژوهش و نیز گزارش برخی گفتمان ها و همایش ها در همین زمینه می تواند بر غنای مجله و جذابیت بیشتر آن بیافزاید.

اسماعیل اسماعیلی

جانشین مدیر مسئول مجله حوزه

دبیر شورای مطبوعات «دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم»

بسمه تعالی

از بخش های ارزشمند مجله آینده پژوهش، قسمتی است که حالات دانشمندان، نویسندگان، مراجع تقلید و بزرگان دین را پس از فوت آنان می نگارد. اهمیت و ارزش این نگارش از چند جهت است:

۱. بسیاری از فرهیختگان ممکن است فقدان چنین عالم و دانشمندی را ندانند و یا ممکن است بدانند، ولی از خدمات، آثار علمی، قلمی و ... سال تولد، دوران زندگی، حسن اخلاق و رفتار آنان و نیز زحمات و تلاش هایی که در دوران زندگی داشته، اطلاعی نداشته باشند و نگارش شرح حال آنان علاوه بر آگاهی بر احوال و آثارشان، می توند راهنما و الگویی برای بازماندگان و به ویژه جوانانی که می خواهند در مسیر علم و تحقیق گام نهند، باشد.

۲. بزرگداشتی است از مقام علما و دانشمندان که باید یاد و نام آنان در جامعه و نیز در عرصه حوزه های علمی، دینی و دانشگاهی بماند و به وسیله نگارش شرح حال از غربت بیرون آمد، تا جزء گروهی که درباره آنها گفته می شود: «عاش غریباً و مات غریباً»، نباشند.

۳. نگارش شرح حال دانشمندان، نشانه تمدن و فرهنگ یک ملت، یک جامعه و یک کشور است و به سایر ملل مترقی جهان می فهماند تا چه حد برای دانش، دانشمند و علم و تحقیق ارج و منزلت قائل اند که بعد از فوت نیز از یادها نرفته و گویا زنده اند.

۴. قلم رسا و جاذب نویسنده، محقق و دانشمند این مقالات جناب حجت الاسلام ناصرالدین انصاری قلمی، بر ارزش و اهمیت آن افزوده؛ به گونه ای که خواننده احساس خستگی نمی کند و با نشاط این سلسله مقالات را پی گیری می کند.

در خاتمه توفیق روزافزون متصدیان و مدیران مجله و نویسنده محترم این مقالات را از خداوند متعال خواستارم.

احمد امین شیرازی

۲۰ بهمن ۱۳۸۵

بسمه تعالی

اینجا چراغی روشن است

بهره‌گیری از قلم صاحبان رأی و اندیشه و روشن بنیان عرصهٔ ادب و حکمت اسلامی، ویرایش سخت و بجا به همراه چاپ کم‌نقص و حتی بی‌نقص نشریهٔ آینده پژوهش، بی‌گمان بیانگر و نشان‌دهندهٔ مدیریت آگاه و پی‌گیری یاران و اصحاب دلسوز و با‌همت این نشریهٔ وزین است؛ اما با این همه، این سؤال پیش می‌آید که با تمام زحماتی که برای چاپ این مجله کشیده می‌شود، چرا جز اندکی از چهره‌های فرهیخته و یا آنانی که بنا به دلایلی از آن جمله که محل چاپ مقالهٔ استادان قرار گرفته و حالا تبدیل به منبع امتحانی شده است و ... دانشجویان باید به تعداد، آن مقاله را تکثیر کنند، محل توجه و دقت نظر قرار گرفته است. باید گفت هر چند آینده پژوهش در روند رو به رشد خود تا حدی - شاید حتی از دید صاحب امتیاز خود بسیار فراتر از آنچه توقع وجود دارد - جایگاه خود را به دست آورده است، اما همچنان که آمد این مسئله از دید نگارنده تنها همان «تا حدی» است؛ چه اینکه در این آشفته بازار فرهنگی که هر اس نگاه به دست دیگری دارد و مشق از روی دیگری می‌نویسد و «فرهنگ»، دکانی گشته است پر زرق و برق که سوداگران آن - متأسفانه - از سرقت یکجای کالاهای دیگران حتی خم به ابرو نیز نمی‌آورند، جایگاه پر رونق نشریاتی چون آینده پژوهش و خلأ آن در داد و ستدهای فرهنگی کشور، بیشتر به چشم می‌آید. به راستی این مسئله از کجا نشئت می‌گیرد؟ امروزه توزیع مناسب و تبلیغات، دور رکن مهم از ارکان شناخت یک نشریه است که البته با فرض آنکه مجلهٔ آینده پژوهش حتی قصد فعالیت اقتصادی نیز نداشته باشد، قرار گرفتن آن در کیوسک‌های روزنامه‌فروشی، فروشگاه‌های کتاب و محصولات فرهنگی و مانند آن، این امکان را برای نشریه و مخاطبان آن فراهم می‌آورد که «دیده شوند»؛ حتی اگر تمام نسخه‌های آن مهر «مرجوعی» بخورند که با شناختی که از نشریه آینده پژوهش دارم، این امر را بعید می‌دانم.

دیده شدن و جذب کردن مخاطب کار آسانی نیست؛ تبلیغات و توزیع یک روی ماجر است؛ روی دیگر، جذابیت بصری و گرافیک نشریه است. در این زمینه آینده پژوهش در طراحی جلد و فونت فارسی نگار، عملکرد بسیار خوبی داشته است؛ اما با تمام سفید خوانی‌ای که گاهی اوقات در مجله رعایت می‌شود، صفحات داخل، آن جذابیت بصری را ندارند؛ حتی نشریه اگر به دلیل صبغهٔ فرهنگی - پژوهشی خود تمایلی به استفاده از رویکرد «تصویر محور» (Photographic) نداشته باشد، دست کم می‌تواند از رویکرد «خط محور» (Typographic)، متنها با تمام قابلیت‌های آن - که کمترین آن استفاده از «سوتیر» در صفحات متن است - استفاده کند. می‌توان مطمئن بود که با بهره‌گیری از این رویکرد با جذاب تر کردن فضای بصری مجله، تمایل بیشتری در خواننده برای خوانش مقاله و مطالب بی‌شمار آن ایجاد خواهیم کرد؛ چه اینکه می‌توان امید داشت با ژرف نگری بیشتری در برخی مسائل که گاهی کوچک می‌نمایند، در کنار محتوای غنی و پر بار نشریه که دیگران همیشه و در همه حال حسرت داشتندش را برده‌اند، آینده پژوهش با پایداری و پویایی همیشگی خویش، زنگار از آینده پژوهش این سرزمین بزداید.

محمد باقر انصاری

بسمه تعالی

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای مهدوی راد (زیدعزه)

سر دبیر مجله آینه پژوهش، سلام علیکم

خبر نشر حدود صد شماره از نشریه گرانسنگ آینه پژوهش مرا به سال‌ها قبل برد و خاطره چند سالی را که در آن مجله وزین زیر نظر جنابعالی تلمذ می‌کردم، زنده کرد؛ هر چند که این جانب از آن زمان تاکنون معمولاً آن نشریه را تفرق نموده و از مطالب آن بهره برده‌ام و گهگاه در کلاس درس منابع مرجع به آن استناد کرده و همچنین به برخی مقالات آن سرک کشیده و مطالبی از آن را در وب لاگ اینترنتی حوزه قرار داده‌ام. باید اضافه کنم که بیشتر نقدهای مجله برایم تازگی داشته و از نمایه آن استفاده فراوان برده‌ام و آن را به دوستان زیادی معرفی کرده‌ام.

با توجه به گذر زمان و نقش اساسی فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیر شایان ذکر آن بر قشرهای مختلف در سوخته و سود رساندن، مطالبی به ذهنم خطور کرد که جسارتاً به شرح ذیل تقدیم می‌کنم:

- امروزه علاوه بر کتاب و مجله، پایگاه‌های اینترنتی و نشریات الکترونیکی بسیار زیادی وجود دارد که همانند کتاب‌ها و نشریات چاپی قابل استفاده هستند و سریع‌تر در محیط‌های مختلف نمود دارند؛ چرا که با جست‌وجوی الکترونیکی به راحتی در دسترس قرار می‌گیرند و هزینه و حجمی را هم نمی‌طلبند. به نظر می‌رسد اختصاص سرفصل‌های جدیدی به این منابع و نقد و معرفی آنها به دانش پژوهان و تشنگان اطلاعات کمکی نماید تا بهتر و مناسب‌تر و جامع‌تر از مطالب استفاده کنند یا استفاده برسانند.

- برخی از متون مرجع در علوم انسانی مرتبط با دین وجود دارد که به زبان اصلی اند و فارسی‌زبانان، یا آن را نمی‌شناسند یا اگر می‌شناسند، اعتبار آن را نمی‌دانند؛ هر چند که در خیلی مراکز تخصصی یا دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. خوب است امثال این آثار نقد و معرفی شوند یا اگر ترجمه شده‌اند و ترجمه‌های آن خالی از خطا نیست، به تصویر کشیده شوند تا انگیزه‌ای برای ترجمه مجدد آن گردد؛ زیرا صرف وجود یک ترجمه در بازار کتاب، هر چند پر از خطا، مترجمان را بر نمی‌انگیزد تا ترجمه دیگری از آن ادامه دهند.

- معرفی امکانات و ظرفیت‌های کتابخانه‌های معتبر یا کتابخانه‌های الکترونیکی که خدمات تحویل مدرک دارند، معرفی اشخاص صاحب نظر در زمینه کتاب و کتاب‌شناسی و نقد کتاب، ارائه مقالاتی در روش تحقیق و اصول نقد، معرفی پایان‌نامه‌های ناب در مقطع ارشد و دکترا، معرفی نمایشگاه‌های کتاب به صورت تخصصی نه صرف بیان خبر، معرفی بانک‌های اطلاعاتی الکترونیکی، نقد و معرفی برخی از نویسندگان و ارائه روش و دیدگاه‌های آنان. در صدی از مقالات هر شماره به ویژه نام‌هایی اختصاصی باید که در هر شماره قبل و سرفصل‌های آن طرح و در شماره‌های بعد به رشته تحریر درمی‌آید.

- راه‌اندازی یک پایگاه اینترنتی مستقل به نام نشریه (نه فقط از طریق پایگاه‌های دفتر تبلیغات اسلامی)، ارائه لوح فشرده تمام متن نشریه از شماره اول تاکنون و ایجاد فضای تعاملی در بستر اینترنت برای ارتباط بیشتر مخاطبان و همچنین ارتباط با آنان جهت اطلاع رسانی روزآمد از طریق عضوگیری الکترونیکی می‌تواند مفید فایده باشد. آخر الامر باید عرض کنم که متأسفانه اطلاع رسانی گسترده‌ای در مورد نشریه در سطح کشور فراهم نشده و اگر هم صورت گرفته، امکان دسترسی به تمامی شماره‌های آن مجله نیست. لذا بهترین راه و ماندگارترین راه می‌تواند بستر الکترونیکی مناسب باشد.

گفتنی است نمایه منتشر شده فقط نمایه ترکیبی نشریه است که احساس می‌شود اگر به صورت الکترونیکی صورت گیرد، امکان لینک نمایه‌ها به اصل مطالب است و کاربر یا خواننده راحت‌تر می‌تواند پاسخگوی نیازهای خودش در انبوهی از اطلاعات آن مجله وزین گردد.

نکته‌ای که از قلم افتاد و ضرورت داشت جلوتر عرض گردد، اینکه متأسفانه این نشریه اعتبار نشریه علمی ترویجی یا علمی پژوهشی وزارت علوم را ندارد و یا از استانداردهای نشریات علمی از نظر نگارش مثل کلید واژه‌ها و چکیده‌های هر مقاله برخوردار نیست؛ هر چند که معرفی چند سطر نگارندگان مقالات هم می‌تواند بر اعتبار مطالب نزد خواننده یا کاربر بیفزاید.

با تقدیم و احترام و سپاس خالصانه

رمضانعلی بذرافشان

بسم الله الرحمن الرحيم

سردبیر محترم مجله آینه پژوهش، سلام علیکم

پرسش نامه ای را که در آستانه نشر صدمین شماره مجله وزین تان برای حقیر ارسال نموده اید، ملاحظه نمودم و از نظر سنجی تان و اختصاص شماره صد از مجله را به نقد و بررسی عملکردتان خرسند گشتم.

بی شک این عمل قدمی عالمانه و حکیمانه برای فردایی بهتر در نشر مجله خواهد بود. اینک در پاسخ به پرسش های جناب عالی عرض می شود که تعداد شماره هایی از مجله که بنده مطالعه یا نگاهی گذرا به آنها انداخته ام حدود پنجاه تا شصت شماره است که بیشتر آنها شماره های زیر پنجاه از مجله است، و از میان بخش های متنوع مجله، بخش مقاله، نقد و معرفی کتاب و کتاب شناسی موضوعی - که در شماره های آغازین مجله وجود داشت - برایم جذاب بوده است. در بخش مقاله و نقد نیز به دلیل آنکه خود در حوزه علوم حدیث غلطانم به نگاهشته های این زمینه بیشتر توجه داشته ام. و امیدوارم بخش کتاب شناسی موضوعی مجله با ارسال مقاله های خوب اهل تتبع، دوباره فعال گردد.

روی هم رفته و فی الجمله، مجله از بخش های خوب و متنوعی برخوردار است و مورد استقبال دانشوران و پژوهشیان در عرصه علوم اسلامی قرار گرفته است. لیکن غلط های پیش آمده از ناحیه ویرایش و چاپ - که انصافاً دردآور است - مانعی جدی برای رشد و ارتقاء مجله به درجه ممتاز محسوب می گردد.

باید باور کرد که سرمایه گذاری در این جهت به هدر نمی رود. بی تردید آلوده نکردن علم به غلط، دعای خیر نویسندگان و خوانندگان را در پی خواهد داشت، و سندی پر افتخار برای شما در نشر صحیح علم و دانش خواهد بود.

در مورد بخشی که در شمار های نخست مجله با نام «بایسته های پژوهش» داشته اید نیز عرض می شود که کارآمد بودن چنین بخشی به نظر حقیر، اغلب در ترجمه و تحقیق میراث مکتوب شیعه است و در بخش پژوهش های ابتکاری، کارآمد بودن آن جای تأمل دارد. باید دید تاکنون از طرح های پژوهشی ارائه شده چه تعداد عملی شده است. بی تردید اهل پژوهش ترجیح می دهند که طرحی را پی گیری کنند که خود طراح آن بوده اند نه آنکه مجری طرح دیگران باشند، و کمتر پژوهشگری حاضر است از این امتیاز صرف نظر نماید. به نظر حقیر، ارائه چنین طرح هایی راحتی می توان سدی برای عرصه پژوهش دانست؛ زیرا با درج نام طراح چنان که اشاره شد، دیگر رغبتی برای پی گیری آن طرح فراهم نخواهد شد و اگر طراح محترم فرصت پی گیری آن را نیابد شاید هرگز تفصیل قلم را نیابد.

قم

محمدرضا جدیدی نژاد

بسمه تعالی

حضور محترم حجت الاسلام والمسلمین آقای مهدوی راد (زید عزه العالی)

باسلام

به اختصار به پرسش های مطروحه در نامه حضرت تعالی پاسخ می دهم:

۱. در حدود سی شماره از مجله را مطالعه کرده ام.
 ۲. بیشتر مقالات مربوط به حوزه تخصصی این جناب یعنی فلسفه، کلام و اخلاق، یکی از بخش های مهم مورد علاقه من معرفی کتاب ها و پژوهش های مربوط به حوزه کار من است.
 ۳. به نظر می رسد با توجه به لزوم اطلاع رسانی در خصوص کنفرانس ها، سمینارها و کار گروه های تخصصی و عدم اطلاع برخی از محققان، مناسب است با استفاده از دوستان مطلع و به کمک اینترنت در مورد کنفرانس های آتی بین المللی و یا ملی اطلاع رسانی گردد.
 - به علاوه در هر شماره یکی از رشته های علمی مربوط به علوم انسانی مورد بحث و گفت و گو قرار گرفته، سرفصل درس ها، کتاب ها و نحوه آموزش آن مورد انتقاد و ارزیابی قرار گیرد.
 - همچنین مناسب است در هر شماره بخشی خاص به یکی از مراکز پژوهشی، دستاوردهای آنها، طرح آنها و نیز نقاط ضعف آنها اختصاص یابد؛
 ۴. بخش آیینگی آن برای پژوهش به رغم نامش کم رنگ است و بیشتر باید سمت و سوی نقد جدی و آسیب شناسی پژوهش در آن نمایان باشد؛
 ۵. به نظر من ساختار فعلی احیای تراث اسلامی غیر کارشناسانه است و هر کس به لحاظ ارتباط فامیلی، قبیله ای، شهری و یا علقه های شخصی، به یکی از گذشتگان اهتمام می ورزد و به احیای آثار او در قالب چاپ کتاب های نفیس می پردازد. این موضوع به نظر من علاوه بر کارزاید اتلاف هزینه پژوهش است. بهتر است در هر دوره و در هر رشته متون اصلی شناسایی و در قالب متون تراث منتشر گردد و در مقدمه آن محقق اشاره ای به مجموعه ای از متون وابسته به آن و جایگاه نگهداری آنها بکند تا محققان عنداللزوم بدان دسترسی یابند و نیازی به چاپ آنها نباشد.
- به نظر من به جای احیای هر کتاب به صورت مستقل، بهتر است شبیه آنچه در خارج به عنوان reading (مجموعه برگزیده) است، به چاپ متون اقدام شود. در این جهت مجله شما می تواند کمک مؤثری بکند.

باتشکر

محسن جوادی

بسمه تعالی

پژوهش در آینه نقد

هرچه می‌خواستم قلم را بردارم و شروع به نوشتن کنم، احساس سنگینی می‌نمودم. برایم بسیار دشوار بود که مجله آینه پژوهش را مورد نقد یا معرفی قرار دهم. هر چند سردبیر و مدیر اجرایی آن، نویسندگان را به آزادی در نقد و نگارش درباره مجله دعوت نموده‌اند، اما این امری است بس سخت؛ چون دو سال کامل با این نشریه وزین زیستم و آن را در بالین خود داشتم و همیشه احترام و ارزش بسیاری برایش قائلم.

همکاری رسمی و مستمر خود را با مجله آینه پژوهش، از سال نهم آن (۱۳۷۷ ش) شروع کردم. البته تذکر این نکته لازم است که در شماره ۴۹ آینه، شرح حال استاد مورخ عبدالرزاق حسینی و نیز شرح حال آیت الله میرزا محمد آیت اللهی زنجانی به قلم این جناب بود، ولی به دلایلی به نام دوست گران قدر ما جناب آقای شیخ ناصر الدین انصاری قمی به چاپ رسید.

بنابراین برای نخستین بار در شماره ۵۱ آینه، مورخ مرداد ۱۳۷۷ ش که در آن شرح حال حجت الاسلام سید فاضل موسوی آمده است، به نام این جناب به چاپ رسید و این نقطه عطف مهمی برای همکاری نزدیک من با این مجله بود، و این همکاری تا شماره ۶۲، سال یازدهم آن (خرداد ۱۳۷۹ ش) به طور مرتب - به مدت دو سال - با نگارش مقالاتی در بخش اخبار (در گذشتگان) ادامه یافت. شایان ذکر است که مجموع شرح حال‌هایی که در این مدت معرفی کرده‌ام، ۲۷ شخصیت بوده است.

آمار دقیقی از مجموع شخصیت‌های معرفی شده در این مجله در اختیار ندارم، ولی به راحتی می‌توان گفت که بخش اخبار در گذشتگان خود کتابی ارزشمند و پرفایده و شامل شرح حال‌های جدید است که برای نخستین بار در این نشریه معرفی می‌شوند. بار سنگین این بخش طی چند سال بر دوش حجت الاسلام آقای شیخ ناصر الدین انصاری بوده است.

اگر هیچ‌نگویم، اما در معرفی و توصیف بخش در گذشتگان مجله، همین بس که متوفیان صاحب نام و اثر و حتی گمنام که نام و نشانی از آنان پس از درگذشت باقی نخواهد ماند، در صفحات زرین آینه پژوهش همچو آینه می‌درخشند.

البته نویسندگانی هستند که در این بخش مطالبی جسته گریخته نوشته‌اند که می‌توان از آقایان: محمدرضا حکیمی، حسن امین، غلامرضا گلی زواره، یدالله جنتی، محمد صالح آل داوود، علی اصغر محمدخانی، مهدی سلیمانی آشتیانی، امرالله شجاعی و ... نام برد.

همین جا به طور اختصار باید بگویم که بخش‌های: معرفی مراکز علمی - فرهنگی، گفت و گو، تراجم، اسناد، نقد حقیقی کتاب و ... دیده نمی‌شوند. به همین خاطر از سردبیر محترم می‌خواهم تا انقلابی بزرگ و شایسته در بهتر شدن فصل‌های مختلف مجله در آینده نزدیک پدید آورد.

در پایان، از برخورد ریزه‌پروری و نویسنده‌نوازی و خوش رویی مدیران و ارباب آینه که بر کسی پوشیده نیست و این جانب از نزدیک بارها تجربه نمودم، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

عبدالحسین جواهر کلام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله الذي من علينا بمحمد نبيه - صلى الله عليه وآله - دون الأمم الماضية والقرون السالفة

به قصد عرض ارادت

گرامی نامه آینده پژوهش - زید عزها و جمالها و حسنها و كمالها - صدشمارگی خود را جشن نگرفته، ولی «ویژه» داشته است. جای آن است این بلوغ خجسته و رخداد فرخنده را به همه کسانی که به همت و اخلاص، چنین مجله پربرگ و بار و یادگار ماندگاری را بدین پایه رسانیده‌اند، شادباش و فرخ باد گویم.

در مملکتی که به قول استاد ایرج افشار «... همه چیز از یاد رفتنی، دور افتادنی و گم شدنی است» (بخارا، ش ۵۵، ص ۳۵)، ماندن و بالیدن و بالانیدن چنین سرو سایه فگن، بیره نیست اگر بگویم، سخت جانی می خواهد. فرمان سخت کوشان «آینه گردان» بردن و چیزگی از برای امتثال در پاسخ دعوت و نظر خواهی ایشان قلمی کردن، کمترین کاری است که برای اسقاط این واجب و حصول مسمای ادای تکلیف، می توانم کرد.

بیش و کم از سال سوم یا چهارم نشر آینده پژوهش بود که خواننده آن شدم. درست به یاد ندارم کدامین مقاله بود که مرا به خواندن و ورق زدن این گرامی نامه کشانید. شاید مقاله آقای مؤذن جامی بود، درباره اینکه چرا تاریخ بیهقی را اثری ادبی قلمداد می کنیم و شاید مقاله آقای دکتر علی اشرف صادقی درباره نخستین تصحیح القند فی ذکر علماء سمرقند. آن سال ها سخت در کار مطالعات ایران شناختی و به ویژه شهنامه پژوهی بودم. هم از این روی، چنان مقالاتی نخستین بار مرا به خواندن آینده پژوهش کشانید.

در همان سال ها شوق مطالعات جدی اسلام شناختی در جانم جوانه می زد. نوشتارهای افق گستر استاد علامه محمدرضا حکیمی - دام علاه - با آن قلم استوار و نثر آبدار و درونمایه های نغز و آرماتی، در پیدایش این گرایش بسیار مؤثر بود. و اینک در آینده پژوهش چشمم به مقالاتی روشن می شد که آفاق فرهنگ و میراث اسلامی را درمی نوردید، و با دقت های متن شناختی و ریزبینی های پژوهشگرانه، همان سان که در جهان شهنامه پژوهی می دیدم و در کارنامه برترین متن پژوهان آکادمیک آزموده بودم، تحقیق و نشر ثرات اسلامی را عیار سنجی می کرد.

آینه پژوهش به راستی «آینه»ی «پژوهش» بود. نشان می داد که گروهی از پیران کساردان و جوانان سخت کوش، خاصه در حوزه علمیه قم - سید الله آرکانها - هستند که با قدمی راسخ و همتی بلند به تحقیق در زوایا و خبیایای معارف اسلامی می پردازند و به ویژه نقد و تحلیل و تحقیق «ثرات» را راجی ویژه می نهند.

نام های کسانی چون: «محمد علی مهدوی راد» (و چند نام مستعار که بعداً «تأویل» به حضرت ایشان شد!)، «رضا مختاری» (باز به علاوه یک نام مستعار)، «مهدی مهریزی»، «محمد اسفندیاری»، «رسول جعفریان» و ...، از همان اوان، در ذهن و زبانم جای گیر شد، و البته دفتر زمانه چنان ورق خورد که سال ها بعد به آشنایی و دوستی همه این بزرگواران مفتخر شدم.

اندک اندک آینده پژوهش مرا به مطالعاتی کشاند که پیشتر اهل آن نبودم یا آن گونه مطالعات را به جد نمی گرفتم. کم کم با تأثیر ژرفی که از دم گرم و قلم آتشین استاد حکیمی یافته بودم و با جهانی که علی الخصوص از روزنه آینده پژوهش در حوزه تحقیقات اسلامی پیش نظرم هویدا شده بود، راه گردانیدم و رخت به حوزه علمیه کشیدم و ...؛ تا بعدها افتخار یافتن خود در زمره قلمزنان آینده پژوهش درآیم.

به جد می گویم که بعید بود اگر آینده پژوهش نبود، گذر من - اینسان - به دنیای طلبگی بیفتد. پس اگر امروز بدین تنعم روحانی مسرور و از این انعام ربانی محظوظ ام، خود را و امدار آینه گردانان و همه آن قلم های خدوم و شریف و نجیب می دانم که مرا - از جمله از طریق این مجله - با گرم پویی های عرصه اسلام پژوهی و شیعه شناسی آشنا ساختند. درباره آینده پژوهش و شایستگی ها و بایسته های آن، سخن بسیار است.

اگر از پیشینه آشنایی ام با آینده پژوهش و گوشه ای از تأثیر گذاری آن بر روند کار و بار و زندگی ام، یاد کردم، نه

از این روست که پنداشته ام کسی هستم! خیر! تنها خواستم به برخی قلم‌های جوان و تازه‌کار که شاید به حدود اثرگذاری کم و کیف مکتوبات خود بر مخاطبان و قوف کامل نداشته باشند، هشدار داده باشم که در چه وادی خطیری گام می‌نهند و یک نشریه مانند آینه پژوهش چه تأثیر ژرفی بر گروهی از خوانندگان خود تواند داشت.

باز در همین راستا، رومی دایم دو سه خرده مشفقانه را در باب ماده و صورت مقالات چندسال اخیر مجله مجال طرح دهم که «إن شاء الله الرحمن، غایه الامر، جز بر انگیزه دفع «عین الکمال» حمل نخواهند فرمود:

۱. در سال‌های نخست نشر آینه پژوهش، نقادی‌ها (چه در حوزه تألیف و چه تصحیح متون و چه ترجمه)، جاندارتر و روزآمدتر بود. قلمزنی خامدست چون داعی، با مطالعه آن نقدهای جدی و آموزنده، می‌توانست «دفع دخل مُقدّر» کند و پیشاپیش برخی از لغزش‌ها و کاستی‌های نوشتارش را که ناقدان بر نظایر آن خرده‌ها گرفته بودند، بزدايد، و لغزشگاه‌های پژوهش و نگارش را بازشناسد، و از «تله»ها و «دام»‌های این مسیر خبر یابد، تا از درافتادن بدان‌ها بپرهیزد.

دیدن کژی‌ها و کاستی‌های نگارش‌ها و پژوهش‌های این و آن که به منقashes نقادی حرفه‌ای برگرفته و فراموده می‌شد، لا اقل این حُسن را داشت که خواننده همان سنجه‌ها را در حق خویش و نوشتار خویش به کار گیرد و از ارتکاب چنان ندانمکاری‌ها بپرهیز کند.

گفته‌اند:

عَرَفْتُ الشَّرَّ، لَا لِلشَّرِّ، لَكِن لَتَوَقَّيْهِ فَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ الشَّرَّ مِنَ النَّاسِ يَمُغِّ فِيهِ

(حاصل معنا اینکه: شرّ و کژی و کاستی را شناختم، نه از آن روی که در پی آن بوده باشم و مطلوب و آرزوی من بوده باشد؛ بلکه برای پرهیز از آن؛ زیرا هر کس از مردمان که شرّ و کژی و کاستی را نشناسد، به آن درافتد و گرفتار گردد).

متأسفانه آن نقدهای پرشور نکته‌بینانه که زیر و بالای عبارات و اشارات را به نیکویی فرامی‌نمود، در آینه پژوهش کم‌رنگ و کم‌حضور شده است.

جای مقاله‌های کسانی چون استاد مختاری که به محققان و مصححان جوان نکته‌ها می‌آموخت و مزال اقدام را می‌شناسانید و از اغلاط مشهور پرده برمی‌گرفت، در اغلب شماره‌های اخیر آینه پژوهش خالی است. آینه پژوهش، خواسته یا ناخواسته، کارگاه تجربت اندوزی در کار تحقیق و تصحیح بر پا کرده بود. دروغ است که آن باب فرخنده مسدود گردد.

۲. آینه پژوهش در سال‌های نخست اغلب از نشرهای فرهیخته و فاخر، یا دست کم ویراسته و کم‌غلط، برخوردار بود و حتی در کثیری از نقدها و مقالاتش کاستی‌ها و ناراستی‌های قلم این و آن را در عبارت پردازی و نشرنویسی، تذکر می‌داد، و به پرهیز از تعابیر نادرست و اغلاط انشایی و ناهمواری‌های نگارشی توصیه می‌کرد؛ لیک در سال‌های اخیر، گاه در نشر مقالات خود آینه پژوهش نادرستی‌ها و ناهمواری‌های چشمگیر به چشم می‌خورد. پنداری آن حوصله‌مندی و وقت‌گذاری سابق در خواندن و ویراستن مقالات در کار نیست؛ یا تراحم اشغال و کثرت مجلات و گسترش مجال‌های مقاله‌نویسی، برخی از نویسندگان را در تنقیح عبارات و ترتیب اشارات بی‌حوصله و شتابکار گردانیده است.

۳. در چند مورد طی این سال‌ها سهوهایی بزرگ و تلخ در آینه پژوهش دیده‌ام و در انتظار تدارک آنها مانده‌ام، ولی انتظار برنیامده است. یکی از تلخ‌ترین موارد - لا اقل برای مخلص که عمری است گردن خود را زیر بار منت پیشروان عرصه متن پژوهی می‌داند و بدین سپاسداری و حق‌شناسی میاهی و مفتخر است - مقاله خسارت بار و جسارت آمیزی بود که شخصی در حق کلپله و دمنه مصحح استاد مجتبی مینوی نوشت و در حق او ادعای «انتحال» کرد، آن هم به ناروا؛ و افسوس! افسوس که آن مقاله زشت و خام بی‌پاسخ ماند!

مقاله‌نویس به گمان خود مُج مینوی را گرفته و نشان داده بود که ترجمه ایبات عربی کلپله و دمنه، مأخوذ و مقتبس از شرح‌های کهن‌تری است که اخیراً به همت آقای بهروز ایمانی و از سوی مرکز نشر میراث مکتوب طبع شده است. پس حتماً مینوی دزدی کرده است و دست به انتحال آلوده! ...

سال هاست که مجتبی مینوی به جوار رحمت پروردگار خود شتافته و اینک رسیدگی به نیک و بد کار و کارنامه اش با آستان حضرت باری است، لیک این تهمت ناروا به هر که باشد خاصه به او، بر تافتنی نیست. مجتبی مینوی هر که بود و هر چه کرد، دزد و انتحالگر نبود، بل در کار تحقیق متن و تصحیح، سودای امانت و دقت در سر داشت و کارهایی چون کلیله و دمنه او، از این منظر، تا سال های سال مثل زدنی خواهند ماند. کاش آن نویسنده عجول که چنان تهمتی به میان آورده یا آن عزیزی که نشر آن تهمت نامه را در گرامی نامه آینه پژوهش رخصت داده است، دقتی می کرد و در می یافت که عکس آن دو شرح نفیس و کهن ابیات کلیله را مینوی، خود، فراهم آورده و در شمار نسخ و مصادر مورد استفاده اش در تصحیح کلیله و دمنه به این دو شرح اشاره کرده، و آنها را از منابع تصحیح و تحشیه کلیله و دمنه قلم داده و تازه نیت چاپ مفصل تر کلیله و دمنه را با ارجاعات تفصیلی و حواشی و تعالیق مبسوط به دل بسته بوده، و چاپ کنونی جز خلاصه تحقیقات مینوی در ضبط نص و شرح مشکلات کلیله نبوده است.

دریغ! اگر همان مقدمه مینوی بر متن مصحح کلیله و دمنه درست خوانده می شد، چنین تهمتی زشت و رسوا مجال طرح نمی یافت.

کلیله مینوی را بگشایید؛ صفحه «یط» و «ك» از «مقدمه مصحح» را بیاورید؛ آنجا که «فهرستی مختصر از نسخ ملاك كار و مُمدّ كار و كتب چاپی و مراجع» به دست داده است و در اواسط آن فهرست - از جمله - می خوانید:

«شرح ابیات: نسخه محفوظ در کتبخانه لالا اسماعیل (استانبول) به شماره ۵۱۶ مورخ ۷۰۷ از مؤلفی مجهول. شرح ابیات: تألیف فضل الله اسفزاری (یا اسفرائینی) نسخ موزه بریتانیایی و پاریس و ماربورگ و مجلس ...».

مینوی، آن اندازه در کثرت استفاده اش از این مأخذ، «حسن تقریر» و «صراحت اقرار» به خرج داده که حتی در کنار نسخ خطی مبنای تصحیح، از این شرح ها و چند متن دیگر به عنوان منابع و سرچشمه های اصلی پژوهش خود، یاد کرده است. آن گاه پس از سال ها قلمی شتابکار به جنبش می آید و از سر ناخواندگی، او را به دزدی و انتحال باز می خوانند! ... افسوس! افسوس!

بگذریم ... علی رغم این چنین موارد که حسب الامر استاد مهدوی راد، سردبیر ارجمند و بسیار دان آینه پژوهش، و جناب جنتی عزیز، مدیر داخلی مجله و حلقه اصلی ارتباطات آن، به خود جسارت داده به اسم انتقاد و خرده گیری قلمی کردم و - باز می گویم که - (به بزرگواری خود) جز محض دفع «عین الکمال» تلقی نخواهند فرمود، آینه پژوهش بی هیچ تردید، یکی از دو سه مجله حقیقتاً داشتنی و خواندنی حوزه کاری ماست، و این بنده همواره به وصول آن، مشتاق، و آن گاه، در تصفح و گزیده خوانی اجمالی و گاه بازخوانی برخی مقالات آن، مولع و بی قرار بوده ام. البته در موارد متعدد نیز به جهت اهمیت فراوان برخی از مقالات، اصلاً از قرائت آن مقاله ها محروم مانده ام!! ... تعجب نفرمایید! مزاح نمی کنم! ... علت آن است که برخی از مقالات آینه پژوهش، آن اندازه مایه ور و دقت خواه بوده است که پس از تصفح اجمالی، شماره حاوی آن مقاله ها را به کناری نهاده ام تا با حواس جمع و حوصله کافی آنها را بخوانم و امیدوار بوده ام در آن مطالعه دقیق، موارد لازم را نیز بیرون نویس کنم و بر هوامش به همان کتاب و فلان مرجع الحاق نمایم ... با همین رجای واثق و امید فراوان، شمار معتنابهی از مقالات پرمایه آینه پژوهش را نخوانده ام و البته امید آن دارم که (اگر توالی فرمایش های برخی سروران و اوامر مطاع بعضی مخدومان مجالی دهد، و مثلاً قرار نباشد یکصدمین شماره آینه پژوهش نشر شود و بدان مناسبت راقم را به «پرچانگی» نیندازند! ... آری، «بَعْدَ اللَّيْتِ وَالَّتِي») آن مقالات را بخوانم و «اگر موافق تدبیر من شود تقدیر»، در دوستمین شماره آینه پژوهش، مقاله مبسوط و مفصلی درباره اهمیت و تأثیر گذاری این مقاله های هنوز ناخوانده، پیشکش کنم!

دوام «آینه» و توفیق «آینه داران» و بی زنگاری دل های آینه سان دوستان را از خدای پاك بی هنباز خواهانم. این سطور در برف نابهنگام اصفهان، پیش از فرجام فصل خزان، و هنگامی که ناگزیر از جمع بین «بخاری» و «مسلم» شده ام!، به دست ارادت قلمی شد.

دعاگو: جويا جهانبخش

آذرماه ۱۳۸۵ هـ ش

بسمه تعالی

دانشمند محترم جناب آقای مهدوی راد

با سلام و آرزوی توفیقات روزافزون

اینک که در آستانه انتشار صدمین شماره از نشریه وزین آینده پژوهش قرار گرفتید، به شما و یاران همراهمان تبریک می گویم و امیدوارم استمرار و تکامل این حرکت ارزنده فرهنگی، در کنار روشن بینی و پایداری دست اندرکاران و همکاران نشریه، زمینه مناسبی برای منسجم ساختن و تعمق بخشیدن به تحقیقات اسلامی فراهم سازد.

آینده پژوهش نشریه وجیه و آبرومندی در نزد اهل تحقیق است که با گذشت صد شماره از عمرش، هنوز خواندنی است و جذابیت خاص خود را داراست. پس از تولد آینده پژوهش، نشریات پژوهشی بسیاری قدم به عرصه نهادند که در روش و منش، متأثر از سبک آن بودند.

در پاسخ به گرامی نامه آن جناب، چند نکته که شاید تکرار مکررات باشد، تقدیم می شود:

- به گمان من خواندنی ترین شماره های نشریه، ویژه نامه های آن است که نوعاً پرفایده و پربار است و پیداست که زحمت مضاعفی را برای تنظیم آنها متحمل می شوید. شایسته است در هر سال، یک یا دو شماره ویژه داشته باشید.

- انتشار نمایه برای دوره نشریه، کار بسیار لازم و مناسبی بود که به نحو خوبی به انجام رسید.

- کتاب شناسی های موضوعی از بهترین بخش های نشریه است که جای خالی آن در برخی از شماره ها کاملاً محسوس است.

- بخش درگذشتگان، علاوه بر اینکه بزرگداشتی از مقام علمی عالمان از دست رفته است، اطلاعات مفیدی در باب تألیفات علمای معاصر به دست می دهد که ممکن است در منبع دیگری قابل دسترسی نباشد.

- سابقاً مصاحبه های مفصل و پرفایده با کتاب شناسان و میراث پژوهان داشتید. شایسته است این کار مفید ادامه یابد. گاهی در این گونه مصاحبه ها، تجربه های یک عمر کوشش علمی و پژوهش فنی بیان می شود که برای همه آموزنده و ارزنده است.

- مدتی است مباحث مربوط به نسخه های خطی و فهرست نگاری مخطوطات، در نشریه تان کم رنگ شده است. اهتمام به این بخش را هم مد نظر قرار دهید.

- بایسته های پژوهشی را بیشتر مطرح سازید تا چراغ پژوهش و تحقیق پر فروغ تر گردد.

- سطح مقالات در بخش نقد و معرفی کتاب ها، یکسان نیست.

برخی از مقالات این بخش، فنی و فاضلانه است و از تبیح نویسنده در موضوع مورد بحث حکایت می کند و ناقد به خوبی نوآوری ها و امتیازات کتاب را مشخص ساخته، کاستی ها و نقایص را متذکر می شود، اما در

مواردی، مقالات این بخش در حد تلخیص مقدمه کتاب و بیان ابواب و فصول آن است و فاقد هر گونه فایده جدید و تحلیل علمی.

- نقد و بیان ضعف‌ها به قصد اصلاح و روشنگری مطلوب و مقبول است، اما تعبیرات به کار رفته در برخی از نقدها، تند و گاهی غیر منصفانه است. به عنوان نمونه؛ در آخرین شماره مجله، درباره کتابی ارزشمند و پرفایده که در جای خود قابل نقد هم هست - تعبیر «بسیار سخیف می‌نمایاند» آمده که به نظر می‌رسد این مقاله از مرز انتقاد سازنده گذشته و شاید ناخواسته به وادی تخریب افتاده است!

در همان شماره، درباره کار ناصواب ناشری خوش سابقه و خدمتگزار، به «تباهی و خیانت» تعبیر شده که کیفر و عقابی بس سنگین تر از اتهام مطرح شده است و اساساً نباید در جوامع علمی، این نوع کلمات را به کار برد: «قل للمؤمنین یقولوا اللّٰهی اَحصٰن». مراقب باشید اندک غباری می‌تواند از شفافیت و صمیمیت «آینه» بکاهد.

- اگر در معرفی کتاب‌ها، منتظر ارسال کتاب به وسیله مؤلف یا ناشر بمانید، جای بسیاری از کتاب‌های مهم و اثرگذار در مجله خالی خواهد ماند. بنابراین ضرورت دارد برخی از آثار برتر را شناسایی و رأساً معرفی کنید.

- در بخش اخبار، گزارشی از جشنواره‌های مربوط به کتاب و کتاب‌های برگزیده ارائه دهید. همه ساله در کتاب سال جمهوری اسلامی، کتاب سال حوزه، کتاب سال ولایت، کتاب سال دین، آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی، دین پژوهان و مانند آن، برخی از کتاب‌ها و تحقیقات حائز امتیاز می‌شوند که لازم است اهل تحقیق در جریان اخبار آنها قرار گیرند. البته با رعایت جوانب امر، نقد و بررسی شیوه داوری‌ها و نقد کتاب‌های برگزیده نیز می‌تواند برای داوران و برگزار کنندگان این گونه جشنواره‌ها مفید و راهگشا باشد و اهل تحقیق هم با امتیازات و محاسن کتاب‌های برگزیده بیش از پیش آشنا می‌شوند.

- بخشی را به شرح حال خادمان کتاب همچون مرحوم استاد سید عبدالعزیز طباطبایی، محدث ارموی، خان بابا مشار، دانش پژوه و مانند آنان اختصاص دهید.

- پیشنهاد می‌کنم قطع مجله را از شماره ۱۰۱ به قطع وزیری تغییر دهید. در این صورت تعداد صفحات آن از ۲۵۰ صفحه کمتر نشود.

امید است این چند سطر مختصر را از این خواننده همیشگی آینه پژوهش، به عنوان تقدیر و تشکر از زحمات خستگی‌ناپذیرتان در استمرار حیات آینه پژوهش پذیرا باشید.

ایام عزت مستدام باد

ابوالفضل حافظیان

۸۵/۱۰/۲۰

بسمه تعالی

استاد ارجمند و محقق گرامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد علی مهدوی راد (زاده الله توفیقاً) با سلام و عرض تشکر و اعلام وصول شماره ۹۷ مجله سودمند آینه پژوهش درباره مرقومه شریفه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - با تأکید بر این نکته که اکثر شماره های مجله را در حجم نسبتاً زیادی مطالعه کرده ام - به استحضار عالی می‌رساند که آینه پژوهش دارای ویژگی‌هایی است؛ از جمله اینکه به درج مقالات نقد و معرفی مبسوط یا اجمالی کتاب‌ها همت می‌گمارد و همچنین به شرح حال دانشمندان گمنامی می‌پردازد که در دوران گذشته می‌زیسته‌اند و آثار سودمندی در حوزه علوم دینی و انسانی نگاشته‌اند، با تأکید بر چاپ پاره‌ای از آنها که فواید فراوانی عائد علاقه‌مندان می‌سازد، ولی تاکنون در معرفی آنها گزارشی آن‌چنان که باید و شاید در نشریاتی از این دست دیده نمی‌شود.

بر شماره‌های گذشته نقدی نمی‌بینم؛ چرا که در یک مجله نقد کتاب و کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی نمی‌توان گنج‌وری یافت که واجد همه گنج‌ها باشد، اما سزااست:

الف) از دانشمندان برجسته‌ای که در قید حیات در گوشه و کنار کشور یا خارج به سر می‌برند، مصاحبه‌ای به عمل آید و از زبان خودشان عوامل ترقیات علمی شان شنیده شود تا الگو برای دیگران و دانشجویان و طلاب باشند و بدین منظور، می‌توان تحت عنوان «اسوه‌های علمی و معنوی ...» جایگاهی را در مجله منظور کرد، البته با ذکر آثار برگزیده آنها.

ب) کتاب‌های درسی طلاب حوزه که در طول تاریخ در حوزه‌ها تدریس می‌شد یا تدریس آنها به دست فراموشی سپرده شد، جانانه معرفی شوند، و بالاخره اینکه در حوزه‌های علمی به چه کیفیت درس‌ها را برگزار و به چه ترتیبی درسها را آغاز کرده و ادامه داده‌اند و از درون همین کیفیات، مفاخری به پدید آمدند که در حوزه‌های معاصر چنان انتظاری به چشم نمی‌خورد و اینکه حوزه‌های علمی سنتی از حالت انتفاعی و مدرک‌گرایی رها شوند و فقط طلابی درس‌ها را تا سطوح عالی ادامه دهند که شایسته رسیدن به مقامات برجسته در علوم حوزوی هستند و طلابی که سرگرم تحصیل هستند، به کانالهای متناسب با سلیقه و استعدادشان هدایت شوند تا تحصیلات آنها هرز نرود.

با تقدیم احترام

سید محمد باقر حجتی

۸۵/۸/۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک سردبیر دانشمند و اولیای محترم مجله آینه پژوهش

با سلام و احترام

مجله آینه پژوهش را از شماره اول تا کنون مطالعه می‌کنم، اما در اوایل کلمه به کلمه و سطر به سطر و اکنون نه به آن دقت روزهای نخست. نمی‌دانم چرا! شاید یکی به این علت باشد که در آن سال‌ها جای مجله ای در زمینه نقد و معرفی کتاب در حوزه فرهنگ اسلامی به واقع خالی بود و امروز این گونه نیست و چند مجله در این موضوع وجود دارد (مثل کتاب ماه دین و فلسفه، آینه میراث و ...). دوم: بی‌باکی مجله در نشر دقیق نقد کتاب‌های مشهور مثل دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و ... بسیار برایم جالب و بدیع بود (و جویایه‌های نقدها که بعضاً در مجلات دیگر منتشر می‌شد!!) امروز جای چنان مقالاتی را ترجمه مقالات خارجی گرفته است که لااقل به ذائقه این جانب خوش نمی‌آید؛ دیگران را نمی‌دانم.

اما هنوز آینه پژوهش مجله دست اول و مورد علاقه این جانب بوده و هست و مقالات آن را به دقت مرور می‌کنم. اما چند نکته:

۱. در یک مجله علمی و تحقیقی طبیعی است که توان همه نویسندگان در نگارش مقالات به یک اندازه نباشد، اما گاهی مشاهده شده، مقالات افراد مشهور و سرشناس که با شتابزدگی نگارش یافته‌اند و فاقد خصوصیات تحقیقی برای مجله هستند و در حد خطابه‌اند نه مقاله، در مجله وزن آینه پژوهش مجال نشر یافته است؛ در صورتی که در همان موضوعات، مقالات محققان گمنام یا کم‌نام و غیر مشهور ولی پرکار، بسیار محققانه‌تر و متقن‌تر از ایشان نگاهشده است. امیدوارم شهرت افراد کمتر ملاک انتخاب مقالات قرار گیرد.

۲. مسئله دیگر: انتشار ویژه‌نامه‌های کنگره‌هاست که در سال‌های نخست در دستور کار آینه پژوهش نبود. اشکال این ویژه‌نامه‌ها یکی این است که گاهی مقالات کم‌پایه و طولانی در صفحات مجله مجال انتشار یافته است که جای آنها در همان کتاب‌های کنگره‌هاست، نه صفحات محدود مجله ای نقاد و تیزبین چون آینه پژوهش. (هر چند مقالات دقیق و متقن هم در این ویژه‌نامه‌ها کم نیست).

۳. معرفی‌های گزارش و معرفی‌های اجمالی کتاب‌ها نیز از قسمت‌های جالب مجله است که مورد علاقه این جانب است؛ اما نمی‌دانم چرا درباره معرفی مقالات مجله‌ها چنین دقتی صورت نمی‌گیرد. در معرفی مقالات مجله‌ها تنها به عنوان مقاله اکتفا شده و حتی به نام نویسنده آن اشاره نمی‌شود؛ اما در قسمت معرفی کتاب‌ها دقیق‌تر و بهتر عمل می‌شود. این درحالی است که اهمیت برخی مقالات مجلات قطعاً از بسیاری کتاب‌های چاپ شده بیشتر است.

۴. اخبار درگذشتگان از قسمت‌های بسیار عالی و آموزنده مجله است که مورد علاقه این جانب است.

۵. چاپ چکیده و عنوان مقالات به زبان عربی که در شماره‌های قبل گاهی سابقه داشت، انجام نمی‌گیرد.

۶. اگر امکان چاپ عکس صاحبان مقالات هم در کنار نام آنها وجود داشته باشد، بر طراوت مجله می‌افزاید.

امیدوارم این چند سطر که به احترام پاسخ‌گویی به اقتراح اولیای محترم آینه پژوهش نوشته شد، موجب ملال خاطر استادان گرانمایه در مجله نشده باشد.

همیشه دعاگو و همیشه دوستدار شما

دکتر مرتضی ذکایی ساوی

۸۵/۸/۲۶

بسمه تعالی

دانشمند معظم حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای مهدی راد

سر دبیر محترم آینه پژوهش

سلام علیکم

با آرزوی تندرستی و بهروزی و توفیقات عالی معنوی برای جناب عالی و همکاران ارجمندتان و استقبال از اقتراح شما در آستانه یکصدمین شماره مجله؛ اختصاراً پاسخ‌های خود را تقدیم می‌دارم:

۱. همه شماره‌های مجله را مطالعه کرده‌ام.

۲. نقدها و معرفی‌ها، و بعضی مقالات اول مجله، بیشتر جذابیت داشته است.

۳. به گمانم لازم است تعداد بیشتری کتاب با اهمیت در هر شماره البته به صورت فشرده‌تر و مختصر و مفید معرفی گردد و هرگاه کتابی خصوصیتی دارد که شایسته تأمل بیشتری است یا ضمن ارزشمند بودن ایرادهای مهمی هم بر آن وارد است، در مقاله مفصل‌تری بررسی شود.

هم اکنون هم تقریباً همین کار را می‌کنید، الا اینکه لازم است در حوزه کار شما هیچ کتاب قابل‌اعتنایی از قلم نیفتد و دست کم بایستی معرفی اجمالی‌ای از آن درج شود. در عوض می‌توان از روده‌درازی‌های بعضی نقد و معرفی‌ها که تقریظ یا تنقید بی‌وجه است، کاست و بر مطلب مفید مجله افزود.

۴. عمده‌ترین اشکالی که به چشم می‌خورد، این است که مجله شما همیشه یکدست نیست. بجاست که در چاپ تحقیقات خیلی تخصصی و یا بر عکس از درج تکرار مکررات، درنگ بیشتری به عمل آید که دریغ از چاپ و کاغذ نباشد. مثال مورد اول این است که یک بحث رجالی یا اصولی یا فلسفی معركة الآراء و خیلی دقیق در مجله مطرح شود که طبعاً علاقه‌مندان به آن گونه مباحث معدودند.

و مثال مورد دوم این است که شواهد متعدد از حافظ بیاورند که چشم را به نرگس تشبیه کرده یا چند جا «صنعت تجنیس» آورده ...؛ مطلبی که هر محصل ادبی باید بداند. مجله شما بایستی از خواننده متوسط الحال جلوتر باشد و او را ارتقا دهد، اما نه آن گونه که خواننده نتواند به آن برسد.

۵. بخش بایسته‌های پژوهش را خوب است باز هم دنبال کنید، اما نباید جنبه تبلیغ شخص یا موضوع یا کتاب خاصی را به خود بگیرد؛ زیرا احساس اینکه چیزی را یا کسی را تبلیغ می‌کنند اثر عکس دارد، بلکه بایستی به طور مختصر و مفید جاهای خالی نشان داده شود.

اما اینکه شخص بنده چه موضوعاتی را در نظر داشته و دارم که مجال و امکان نیافته‌ام ... «حافظ این قصه دراز است به قرآن که مپرس»!

با ارادت و احترام و التماس دهای خیر

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

۱۳۸۵/۸/۵

به نام آفریدگار لوح و قلم

محضر مبارک دست اندرکاران محترم مجله آینه پژوهش

باسلام و ادب

پیرو فراخوان نیک اندیشانه آن مجله، به حمد الهی برای بنده توفیق اجابت حاصل شد و مطالبی در راستای فراخوان مذکور به قلم آمد. امید است قبول افتد. در آغاز سخن پیش از هر کلامی شایسته و اقتضای ادب است که مدیران مسئول پیشین و کنونی مجله آینه پژوهش، سردبیر توانا و گرانمایه اش استاد ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین مهدی راد، مدیر اجرایی کاردان و فرهیخته آن جناب آقای جنتی، ویراستاران و دیگر اعضای محترم آن کمال سپاس را به جا آورم. باشد که خدای متان به پاداش نیکشان صد چندان بیفزاید.

اما بعد؛ بایستی اعتراف کنم که پژوهشنامه وزین آینه پژوهش در حوزه میراث بانی تراث اسلامی از نادره مجلاتی است که از همان اول پیدایی اش تا کنون سیر تکاملی داشته است و هر شماره آن به ز قبلی و تمامی شمارگان در زمان خود بهترین بوده اند و این جز با اهتمام جدی دست اندرکاران این مجله به دست ناید. کمتر مجله ای را سراغ دارم که تا صدمین شماره آن بتواند چنین استوار نشر یابد. از زمان آشنایی با مجله آینه پژوهش علاقه و افری به مطالعه مقالات آن پیدا نمودم و علت آن انتشار مقالات عالمان کتاب شناسی، چه در بخش معرفی و چه نقد، و همچنین اطلاع رسانی و تازه های نشر آن در حوزه فرهنگ اسلامی بود. در باب کتاب شناسی بایستی توجه داشته باشیم که پس از انقلاب در حوزه فرهنگ اسلامی با خلأ مواجه بودیم و کمتر به صورت نظام مند و روشمند بدان توجه می شد و آثار بیشتر نویسندگان و ناشران دینی نه جایی معرفی می شد و نه مجالی برای نقد آنها فراهم بود؛ تا اینکه با ظهور پر قوت مجلاتی چون آینه پژوهش عرصه برای چنین مقالاتی در عرصه فرهنگ اسلامی پیدا شد و نویسندگان حوزه دین در ایران زمین با مجله ای آشنا شدند که رسالت اصلی خود را معرفی و نقد نگاشته های مرتبط با فرهنگ اسلامی قرار داده بود. از آنجا که اهمیت مقوله کتاب شناسی و نقد آثار نزد دانشیان کاردان روشن است و مجال این مقال نیز اندک، دیگر بیش از این به بیان اهمیت این بخش از مجله نمی پردازم و فقط به اجمال اشاره می کنم که گاه یک مقاله می تواند گویای یک کتاب باشد، اگر عالمانه معرفی شده باشد، و این همان اتفاقی است که در اکثر مقالات کتاب شناسی این مجله رخ داده است. یاد دارم مقالاتی چون کشتی شکسته، پژوهش گونه ای درباره مصحف فاطمه (س)، قصه های قرآن مرحوم بلاغی، به کجا چنین شتابان و ... و همچنین در شماره اخیر مقاله دشوارتر از تدریس استادانه را که نگارندگان چه خوب و عالمانه به نقد و بررسی پرداخته اند. به نظر بنده این بخش از مجله آینه پژوهش سرآغازی بود برای پرداختن به این مقوله و تا کنون نیز به خوبی از عهده آن برآمده است و این بسی مایه خرسندی حوزویان است که این گام توسط آنان برداشته شد؛ هر چند بعدها دانشگاهیان عزیز نیز با آنان

مشارکت علمی در این امر نمودند تا ثمرات این شجره طیبه به بار نشست و ما امروز در انتظار صدمین شماره آن هستیم.

اطلاع رسانی و تازه های نشر مجله نیز برای پژوهشگران عرصه دین اطلاعات و آگاهی های سودمندی را از حوزه دین ارائه می کند و گاه آنچه را نتوان در کتابخانه ها یافت، در این مجله می توان به اجمال دید و پی گرفت.

ملاحظات:

۱. در ویراستاری و بازخوانی نهایی مقالات درنگ بیشتری شود. یاد دارم که در چند مقاله اغلاط تاپیی کاملاً مشهود بود. گویا در چند شماره، مقالات از حیث ویراستاری یکسان سازی نشده بود، واللّه اعلم.
۲. با توجه به فزونی آثار مستشرقان در زمینه مطالعات اسلامی، به نظر می آید اختصاص بخش ویژه ای از مجله به نقد و معرفی آثار مستشرقان در حوزه دین تحت عنوان «استشراق» می تواند سطح مجله را در این عرصه نیز ارتقا دهد؛ هر چند از این دست مقالات در چند شماره به چاپ رسیده است. اهمیت و ضرورت این مطلب به قطع برای دست اندرکاران مجله روشن است؛ ولی از باب تذکر عرض می کنم که حجم آثار مستشرقان در دهه اخیر، چه به شکل ترجمه و چه تألیفی، مبتنی بر دیدگاه های آنان در عرصه دین پژوهی فزونی یافته و بایستی مراکزی از حوزه و دانشگاه به وجود آیند تا عهده دار رصد و نقد این گونه آثار باشند.
۳. اختصاص حداقل دو شماره در یک سال به ویژه نامه های تخصصی در یکی از عرصه های فرهنگ اسلامی و اعلام موضوع و سرفصل های آن در آغاز هر سال و دعوت از پژوهشگران برای قلم زدن در موضوعات آن عرصه، ضمن اینکه به تخصصی شدن مجله کمک می نماید، فضا را برای ورود به موضوعات نوآمد نیز فراهم می کند. هر چند مجله چندین ویژه نامه داشته، لکن به نظر در طول دیگر ویژه نامه های همسان آن موضوع بوده و ابتکار عمل زیادی در آنها دیده نمی شود.

علی راد

۱۳۸۵/۹/۲۱

باسمه تعالی

شگفتی آفرینی های رنگارنگ که حلقه ای از حلقه های بی شمار زنجیره زندگی است و نقشی انکار ناپذیر در سیکل و چرخه حیات دارد و «انسان» نامیده می شود، تجلی های گوناگون و خودنمایی های جوراجوری داشته و دارد؛ ویژگی هایی که قرن هاست بیولوژیست ها را تنها در عرصه پیچیدگی های بخش خاکی و بعد فیزیکی انسان - یعنی بدن و اجزای آن که در مجموع، ارگان و اندام او را شکل می دهد - سخت درگیر خود کرده است و هرگز نیز گریبان صدها تحقیق و هزاران پیش فرض و فرضیه جدی و جاندار را در زمینه سطح و عمق بخشیدن به این دست کاوش های عقلانی رها نخواهد کرد!

با این همه، آنچه بیش از عرصه جسم و ارگان، بیکرانه و سرگردانی آفرین است، دنیای جان و روان انسان و تو در تو بودن و لایه به لایه نمودن آن است؛ دنیایی که هزاران عامل شناخته و ناشناخته بیرونی (چون: خانواده، دوست، معلم، جامعه، حاکمیت های سیاسی، روابط اقتصادی، شرایط آب و هوایی و زیست محیطی) و درونی (چون: عوامل وراثتی و ژنتیکی، موتاسیون و جهش هایی که در سربر آوردن یک باره صفت های خفته در اعماق پنهان سلول نقش دارند، کروموزوم ها و شکست های کروموزومی که «کراسینگ اوور» (Crossing over) نام دارند) آن را می سازند و همگی آنها - چه پارامترهای درونی و چه مؤلفه های بیرونی - ما را به یک نکته رهنمون می شوند: نیروی بی مانند انعطاف پذیری و مانور دهندگی خمیرمایه وجودی انسان!

قرآن کریم در لایه لای سخنی گله مندانه از زبان حضرت نوح (ع) و رویارو با سرگرانانی که ایمان به خدای یکتا را بر نمی تافتند - و عملاً نیز بر نمی تابند و این مشکل تاریخی بشر هنوز هم به دنبال نارسایی خرد او در کار محاسبه خردمندانه سود و زیان، همچنان به قوه نخستین خویش قدر برافراشته مانده است - می فرماید: «ما لکم لا ترجون لله وقاراً* و قد خلقکم اطواراً؟» شما را چه می شود که بزرگی خداوند را در نمی یابید، با آنکه گوناگونتان آفریده است!

این فرموده فناپذیر که شاهکاری از پیوند کوتاهی کلامی با ژرفایی پیام است، سوگمندانه در لایه لای سخنان حجم انبوهی از مفسران، در اندازه نگاه یک جانبیه قرآن کریم به - تنها - شاکله جسمی و فیزیکی آفرینش انسان، فرو کاسته شده است و برخی دیگر از آنان نیز که خواسته اند پای یک احتمال امروزی تر - و به اصطلاح، نوآمدتر و به روزتر - را به میان بکشند، باز هم نتوانسته اند از یادآوری راز گشایی های تازه علم جنین شناسی از اسرار آفرینش انسان و جابه جایی های هسته نخستین تولد یک نوزاد از شکل یک تک سلولی به قالب پرسلولی های بعدی آن، خودداری کنند!

تنها کسانی - حداکثر - انگشت شمار توانسته اند با عنایت به روایتی از امام باقر (ع) از شمول گسترده دو آیه یاد شده و فراگیری آنها در ارتباط با ویژگی های روحی و روانی انسان ها نیز سر در آورند، با آنکه ید بیضای خداوندی در کار خلقت انسان - این گل سرسبد آفرینش و شاهکار هنرهای زیبای همه عصرها - که شایسته دریافت مدال لیاقت «فتبارك الله احسن الخالقین» است، ساختن و پرداختن روح و روانی است که واکنش ها و روفلکس هایی رنگارنگ، پیچیده و پیش بینی ناشدنی دارد و پژوهش و درنگ و سرک کشیدن به دخمه های پنهان و تاریک درون و بیرون انسان ها، نمونه ای از بی شمار بازخوردهای آن است!! ...

پرسش ها و پاسخ ها

۱. تاکنون بیشتر شماره های مجله آینده پژوهش را - چه آنهایی که در بردارنده شبه مقاله های این کمترین

بوده اند و چه آنهایی که با لطف قدیم و اهدای دوست فاضل و ارجمند جناب آقای یدالله جنتی مدیر محترم اجرایی آن مجله به دستم رسیده اند - خوانده ام .

۲ . خوشبختانه سر تا پای مجله گرانسنگ شما خواندنی و آموزنده است .

۳ . گمان می کنم بخش مربوط به «درگذشتگان» که نوعی یادکرد از چهره های علمی معاصر - اما اندکی دیر هنگام و مصداق «نوشداروی پس از مرگ سهراب» - است ، به رغم سودمند بودنش ، به بدیل یا مکملی در بخش های آغازین مجله نیاز دارد که همان شناساندن محققان و پژوهشگران زنده معاصر و برانگیختن نسل امروز و هوخواهان تحقیق و پژوهش برای دست یابی بدان بزرگان و خوشه چینی از آنان است . همچنین جای بحثی گسترده و مستوفی از آسیب شناسی روند تحقیق و پژوهش را که فقدان همواره چنان رهزنی در کمین کاروان علم و اندیشه بوده است ، خالی می بینم .

تأکید بر تمرکز در کارهای پژوهشی - از آن دست که در دستور کار مجله شما است - و لرزم پرهیز از موازی سازی ها و جداخوانی های مستلزم صرف دقت و اتلاف انرژی های بسیار و صد البته ارائه راهکارهایی در این باره نیز از بحث های مهمی است که شاید مرض مزمن یاد شده را درمان کند .

۴ . کمبود یا نبود آنچه که در پاسخ پرسش پیشین یادآوری کرده ام و نیز نامشخص بودن جایگاه و رتبه علمی مجله - به رغم وزین و متین بودن همه شماره هایش - را می توان از کاستی های شماره های گذشته دانست . دریغ است محتوای مجله آینده پژوهش که در قیاس با مندرجات بسیاری از مجلات منتشر در سطح کشور - در عین یدک کشیدن رتبه «علمی - پژوهشی» - برتر از آنها یا دست کم ، همدوش با آنهاست ، از دریافت چنان مدال لیاقتی بی بهره باشد!

۵ . سوگمندانه ، بیماری نادیده گرفتن تلاش های علمی دیگران و «سرقه ادبی» و جازدن کاوش های تحقیقی این و آن به نام خود ، کم و بیش در کشور مانیز به چشم می آید . خوب است افزون بر آنچه در یکی دو شماره گذشته مجله شما انجام شده ، برای پیشگیری از ناخوشی یاد شده یا دست کم ، درمان آن ، در کنار تأکید دوچندان بر تقبیح این کار ، آثار و نوشته های آن چنانی نقد و معرفی شوند و «حرامیان حلال شمار حرمت دیگران» به خود آیند و با خود باشند!

همچنین ، با توجه به رشته تحصیلی خود و دغدغه هایی که دارم ، احساس می کنم هنوز جایگاه والای درایت و درک کارگشا و کاربردی حدیث در فهم دین و معارف و آموزه هایش ، به درستی درک نشده و این ستون اصلی خانه دین پژوهی و آیین شناسی ، هنوز زیر سایه سنگین مباحثی حاشیه ای است که خود را متن جلوه داده و متن را به حاشیه برده اند! بازخوانی جایگاه عنصر یاد شده در فقه نوین و فهم متین دین و معرفی و ترجمه کتاب هایی از این دست و طرح پارامتر و مؤلفه هایی که در نقد و بهروز کردن ادبیات آنها که به حکم ظاهر ، سنتی و پیوسته به دنیای کهن و متسهی به موزه «لوور» به چشم می آیند ، می تواند نقش انکار ناپذیر در پرده برداری از چهره زیبای دینی داشته باشد که بسیاری از مناسبات دنیای امروز دست به دست کج فهمی ها و مخالف خوانی ها و سوء سئيقه های برخی خزیدگان در «بالاپوش دفاع انحصاری از دین و دینداری» داده اند و پا در رکاب زشت جلوه دادنش نهاده اند؛ کاری است بس دشوار ، اما

تو مگر ما را بدان شه بار نیست با کریمان کارها دشوار نیست

پرویز رستگار

۱۳۸۵/۹/۱

بسمه تعالی

از آینه به آینه

نقد آینه پژوهش^۱

جناب آقای مهدوی راد، سلام علیکم

زمانی که با آینه پژوهش آشنا شدم، نوجوانی بیش نبودم و اکنون که پانزده سال از آشنایی می گذرد، به خود می نگرم که با چه شوقی مجله را تهیه می دیدم و با چه دشواری هایی شماره های گذشته آن را از اینجا و آنجا اکتفا می کردم و یا به عاریت می گرفتم.

از همان روزهای نخست آشنایی، نثری را که در آینه پژوهش موج می زد، پسندیدم و روح انتقادی ام از نقدهای خوب و شجاعانه آن سیراب شد. آن زمان، خود را به جای نویسندگان مقالات قرار می دادم و مقالات را نیز نقد می کردم که اگر تندتر می نوشتم، چه می شد و اگر آرام تر می نگاشتم، چه رخ می داد. و البته اگر کتاب مورد نقد نیز به کفم می آمد، با نویسنده کتاب نیز هم ذات پنداری می کردم که اگر چنین نقدی برای من نگاشته می آمد، چه می کردم؛ یکباره قلم را به سوی می افکندم و در جایی پنهان می شدم که چشمم به چشم کسانی که بر کار من نقد نوشته اند و یا نقد اثر مرا خوانده اند نیفتد، یا آنکه جواب نقدها را یک به یک می دادم. اصلاً چه پاسخی برای این اشتباهات فاحش داشتم؟ باید به یکباره به انکار برخیزم، یا در پی توجیه باشم، یا سکوت اختیار کنم.

آن زمان، واقعاً به این نمی اندیشیدم که خود در جرگه همکاران آینه پژوهش درآیم و خوانندگان را زحمت دهم. حتی در سال هایی که امکان نوشتن برای این مجله برایم فراهم بود، از آن دوری می کردم؛ چون شیوه نامه ای برای خویش نداشتم و از این گذشته، شایعات سیاه درباره مجله و دست اندرکاران آن فراوان بود^۲. آن گاه که چند مطلب نیز در مجله به چاپ سپردم نیز باز باور نداشتم که آن قدر سخت جانی کنم و هفت سال متممادی به همکاری با مجله ادامه دهم. ولی چه می توان کرد، روزگار چنان مقدر کرده بود که من برای آینه پژوهش بنگارم^۳، و ارادتم به آستان مقدس آن، به سبب اندیشه بالغ دست اندرکاران آن و روح آزادگی حاکم بر برگ برگ آن، هر روز و ساعت، بیشتر و بیشتر شود. گرداننده اصلی مجله، از ذکر نام خود در جای جای مجله خودداری می کرد و بر خلاف نشریات چاپ تهران که معمول است صد بار خودشان با خودشان مصاحبه کنند و از تکرار نام خود لذت ببرند، گاهی چیزی می نوشت، و غالباً به اسم مستعار یا امضای «سردبیر» اکتفا می کرد؛ حتی مطالبی که درباره خود مجله و روند آن و ناگفته هایش را با مجلات دیگر مطرح ساخت، و بیشتر به ما جوان ها میدان داد که بنویسیم و بنویسیم.

به هر حال، امروز آگاهی یافتم که روزگار، تقدیر دیگری را رقم زده و خیاط نیز در کوزه افتاده است. باید آینه پژوهش را از پس انتشار نود و نه شماره به نقد نشست و در آستانه صدمین شماره، آینه در پیش او نهاد تا مبادا که خود، عیب نهان دارد.

از آنجا که پرداختن احساسی به مطالب و موضوعات را پسندیده نمی انگارم، به حاصل اندیشه هایم در طی سال های آشنایی و سپس همکاری با مجله می پردازم.

نخست در باب بخش مقالات: با وجود آنکه پویا نیست، بخش خوبی است. به نسبت مجلات دیگر،

مقالات تخصصی و جالبی در آن نوشته و بیشتر ترجمه شده و نویسندگان آن، کمتر در پی ابراز وجود به ویژه از طریق کثرت ارجاعات و پاورقی بوده‌اند و اگر به پابریگی‌های زیادی برمی‌خوریم، به علت افزون شدن ارجاعات مترجم، بر ارجاعات مؤلف خارجی است. با وجود این، نمی‌توان گفت که مطالب این بخش، شاخصه‌ای داشته باشد و بتوان بدان‌ها اطلاق «نوشته‌های آینده پژوهش» کرد.

بخش نقد و بررسی: با وجود انتشار مطالب عالی در این قسمت، معمولاً مطالب موجود در این قسمت، درازدامن و خسته‌کننده و به همراه مطالب نامربوط به بحث اصلی بوده‌اند، و مبحث معرفی کتاب و پرداختن آزاد به مباحث مطرح شده در کتاب مورد نقد، پررنگ‌تر شده‌اند، و گاه در جرگه مقالات درآمده‌اند. به عقیده این جانب، دست کم دو سوم هر یک از مطالب منتشره در این قسمت، زیاده بوده است، و متأسفانه نگارش در این بخش برای بعضی از نویسندگان، در درجه نخست، طرح نام خود در بالای نام دیگر همکاران، و در درجه دوم، انگیزه مالی با پرکردن صفحات بیشتر و هم از جهت دارا بنیدن تعرفه بیشتر برای مطالب این بخش بوده است.

این جانب، دوبار افتخار همکاری با این بخش را یافته‌ام که هر بار، مطلب من با نقدهای زیادی همراه شد و در نتیجه خوشبختانه باعث تأملات بسیاری شد. یک نفر نیز بدون آنکه نام ببرد، نشر آن را در یکی از گاه‌نامه‌ها به سخره گرفت که از سوی دیگر نکوهش و درستی سخن به او نمایانده شد. آن زمان به این اندیشه فرورفتم که اگر واقعاً نشر این جانب دچار اشکال بوده، چگونه به دست ویراستاران مجله که همواره ویرایشی پیشرو و عالی را در مجله پیاده کرده‌اند، اصلاح نشده و اگر از دست آنان نیز خارج شده، باید به قول الکساندر پوپ در رساله نقد استاد کرد که: «دشوار است بتوان گفت: ناپختگی بیشتر در نگارش بد به ظهور می‌رسد، یا در بد داوری کردن؟ اما از این دو، اثری که به سبب نقص انشا ایجاد ملال کند، از نقدی که درک ما را گمراه سازد، کم‌زیان‌تر است. معدودی از مصنفان هستند که در نگارش، دچار لغزش می‌شوند؛ اما بسیار کسان‌اند که در داوری خطا می‌کنند، در برابر هر یک مصنف بد، ده منتقد بد وجود دارد، یک مصنف کم‌مایه فقط خود را رسوا می‌سازد، اما بسیاری منتقدان سخن‌ناشناس با بررسی اثر آن یک تن، خویشان را رسوا می‌گردانند».

باری، بارها دیدم که مطالب چاپ شده در این بحث، استواری لازم و گاه شجاعت لازم برای نقد را ندارند، یکی از نویسندگان نیز به این روش از نقد دست یافته بود که اگر در کتابی فوت علامه مجلسی اصفهانی ۱۱۱۰ ق آمده بود، پرخاش می‌کرد که چرا ۱۱۱۱ ق نوشته، و اگر ۱۱۱۱ ق درج شده بود، با تندی می‌گفت که ۱۱۱۰ ق صحیح است که خوشبختانه از چاپ نقدهای این چنین توسط دست‌اندرکاران هوشیار مجله، خودداری شد و ادامه نیافت.

معرفی‌های اجمالی: این قسمت فرهنگ‌سازترین بخش مجله و دوست‌داشتنی‌ترین بخش آن از دیدگاه بنده و اکثر خوانندگان، در سال‌های همکاری با مجله است که بیشتر انرژی خود را صرف فربه ساختن این بخش ساخته‌ام^۴ و بر آنم که نقدهای اصلی و جامع، و مطالب آینده‌پژوهشی و دایرةالمعارف‌گونه، فقط در این بخش فرصت انتشار یافته‌اند، به چند دلیل روشن:

۱. آسان‌تر بودن چاپ مطلب در این بخش، به سبب عدم نیاز به تأیید وقت‌گیر هیئت تحریریه و اکتفا به نظر سردبیر مجله.

۲. پایین بودن تعرفه پرداختنی به نویسندگان این مجله که خود به خود باعث می‌شود کسی ساز تکلف و تصنع در آن نزنند و از درازگویی و آوردن مقدمه و مؤخره بپرهیزد و غم‌ناک نداشته باشد.

۳. مشخص بودن شیوه نامه، چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی:

الف) مطالب بیشتر از یکی دو صفحه نباشد (بماند که یک بار عهدشکنی کردم و سه صفحه و نیم در معرفی در انتظار ققنوس قلم زدم و خوانندگان را بیش از اندازه تصدیع دادم).

ب) کتاب، تازه انتشار یافته باشد، و در نتیجه مطالب جدید مطرح شود، و مطلب چاپ شده درباره هر کتاب، منبع دیگران در معرفی های بعدی قرار گیرد، نه اینکه خود، تحت تأثیر معرفی های دیگر جراید و مجلات و پایگاه های اینترنتی قرار گیرد.

ج) در ابتدای مطلب، به معرفی کتاب اقدام شود و سپس موارد مهمی از اشکالات کتاب، ذکر شود. به عقیده حقیر و به همین چند دلیل ساده، این بخش از مجله باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد و در غلط گیری و ویرایش آن، اهتمام بیشتری شود. نمی دانم چرا معرفی نسخه های خطی ناشناخته در این بخش، چندسالی مغفول مانده است. ضمناً در سال های اخیر، نام هر فرد، تنها یک بار در پایان آخرین مقاله اش ذکر می شود که بهتر است نام شخص، هر چند بار که لازم است در پایان هر مطلب - و لو مطالبی که پشت سر هم قرار گرفته اند - بیاید؛ چرا که این شبهه ایجاد می شود که مطلب بدون نویسنده است و از اینجا و آنجا نقل شده و هم در فهرست سالانه مجله اغلب اشکالاتی ایجاد کرده است.

بخش معرفی گزارشی: با وجود آنکه مطالبی در این بخش نگاشته ام^۵، به سبب عدم وجود شیوه نامه و فاصله زیاد میان انتشار دو شماره و عرضه لوح های فشرده در این باره به بازار و چاپ کتاب های ماه، وجود آن غیر ضروری و بسیار کم فایده است.

بخش درگذشتگان که داوری درباره آن را باید به نویسندگان ثابت آن واگذار کرد. به گمانم در سال های آغازین کار مجله، پربارتر و فراگیرتر بود.

بخش اخبار: متأسفانه پربار نیست و البته مبحث خیر در یک نشریه دو ماهانه نیز نمی تواند چندان جدی باشد.^۶

بخش کتاب شناسی: هر از چندی که این بخش را خالی دیده ام، مطلبی در آن انتشار داده ام^۷ که گاه به صورت کتاب مجزاً نیز فرصت انتشار یافته^۸ و همواره بارها و بارها در دیگر جراید و مجلات و پایگاه های گوناگون اینترنتی نقل شده است.

با توجه به کمبود مجلاتی که اقدام به چاپ کتاب شناسی کنند و ناآگاهی بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران از اهمیت این مساحت و در نتیجه هراس آنان از پرداختن به آن و دوری از قدم زدن در این راه به سبب تبلیغات علیه آن، هر چه بر غنای این بخش افزوده شود، موجب ترویج بیشتر فرهنگ کتاب پژوهی خواهد بود.

بخش بایسته های پژوهش: هر چند شیوه نامه دقیق و کاملی داشت ولی به جای دور کردن پژوهشگران از کارهای موازی، موجبات چاپ نشدن آثار را در پی داشت. به نظرم اگر به کلی از معرفی تصحیح ها دوری شود و به تحقیقاتی که در یکی دو جلد به انجام می رسند، و فاصله شروع تا انجام کار و چاپ شدن آن اندک اند نیز پرداخته نشود و تنها پژوهش های چند جلدی در این بخش معرفی شوند. این کار علاوه بر دور کردن محققان از کارهای موازی، و عدم مطرح کردن بی جای اشخاص، موجب می شود که تا وقتی کار به چاپ نرسیده، و فرصت باقی است، نقدهایی نیز بر همان طرح اولیه پژوهش صورت پذیرد و پژوهشگران دیگری که در آن زمینه فعالیت داشته اند یا می توانند فعالیت کنند نیز به میدان آن تحقیق وارد شوند و دست یاری به یکدیگر دهند. بحث

بایسته‌های پژوهش از آن دیدگاه که آرزوهای هر پژوهشگری ذکر شود و نظریات او که توسط خود او صورت تحقیق نیافته‌اند، انتشار یابد، اگر به صورت گزیده در بخش‌های پایانی مجله بیاید، بسی خواندنی است اما:

۱. توجه پژوهشگران جوان به آرزوهای محققان مطرح، و عنایت به نام و عنوان نویسنده بایسته پژوهش، نه کیفیت و درون آن.

۲. طرح دادن، کار چندان دشواری نیست و به زودی به مرحله‌ای می‌رسد که طرح‌های تکراری زیادی به دست گردانندگان مجله می‌رسد آنچه اهمیت بیشتری دارد، فراهم آوردن مقدمات و ملزومات و زمینه پژوهش است.

بخش نامه‌ها: بسیار خواندنی و موجب دلگرمی خوانندگان و حتی نویسندگان مجله است؛ چرا که روشن می‌سازد، بزرگانی چون آیت‌الله روضاتی و ایرج افشار نیز از مشترکان و خوانندگان این مجله‌اند. چند نکته دیگر درباره‌ی روند کلی:

۱. مجله ویژه نقد کتاب، باید از چاپ ویژه‌نامه در مناسبت‌ها بپرهیزد.
۲. نقد کتاب باید زود به زود انجام شود و بنابراین انتشار مجله باید ماهانه و یا دوهفتگی باشد.
۳. ارتباط بیشتر با بدنه اجتماع، از طریق پرسش و پاسخ با خوانندگان و برگزاری مسابقات دوره‌ای^۹ و پخش فراگیر مجله در شهرستان‌ها همانند سال‌های نخست کار مجله. این موضوع، سبب می‌شود که اگر مجله، توفیق دریافت جایزه‌ای را پیدا کند، نگویند که از قبل آشنایی بود.
۴. دوری از چاپ معرفی‌های سفارشی که مثلاً نویسنده‌ای کتابش را به کسی داده تا برایش بنویسد، و چه بسا همزمان در چند نشریه هم چاپ می‌شود.
۵. انتخاب کتاب‌های برتر، مثل کتاب‌های سال، و تشویق نویسندگان ثابت مجله به پرداختن به آن‌ها و یا نقد مشترک، توسط چند نویسنده.

محمدرضا زاهدوش

پی‌نوشت‌ها:

۱. چون عادت ندارم که بگویم: «مطالب من را باید بدون کلمه‌ای حذف و یا تغییر منتشر کنید، و الا از خیر انتشار آن صرف نظر فرمایید»، بنابراین در حذف و ویرایش آن اختیار کامل دارید.
۲. بعدها این شایعات و گوشه و کنایه‌ها، گریبانگیر من نیز شد.
۳. اگر این مطلب نیز به چاپ رسد، ۳۴ مطلب در آینده پژوهش چاپ کرده‌ام.
۴. مجموعاً ده مطلب در این بخش به چاپ رسانده‌ام.
۵. مجموعاً شانزده مطلب.
۶. یک بار مطلبی در این بخش به چاپ رساندم.
۷. مجموعاً دو مورد و یک بار نیز به صورت نامه، استدراکی بریک کتاب‌شناسی نوشته‌ام.
۸. راه‌نمایی پژوهش درباره‌ی میرفندرسکی.
۹. هر چند از دید عده‌ای، خام و بیچگانه به نظر بیاید.

به نام خدا

برادر گرامی جناب آقای محمد علی مهدی راد

سر دبیر محترم مجله آینه پژوهش

با سلام و احترام و پس از حمد خداوند و درود و صلوات بر محمد و آل محمد (ص) در پاسخ به نامه شماره ۱۴۲۴/پ مورخه ۱۳۸۵/۷/۲۶ آن مقام ارجمند، به پیوست پاسخ پرسش های رقیمة مزبور تقدیم حضور می شود.

۱. آینه پژوهش نام مبارك و میمونی است که فعالیت های تحقیقی حوزه اسلامی را به ویژه در زبان فارسی و عربی و بالاخص فعالیت های مراکز پژوهشی را در قم بیان می کند. از آن دوره که مجله راهنمای کتاب در حدود سال ۱۳۳۷ در حوزه نقد و معرفی کتاب پی ریزی شد تا سده آغازین نشر آینه پژوهش، بیش از چهار دهه گذشت تا دوستانداران کتاب و معرفت و دانش مجله ای ویژه در موضوعات اسلامی را صاحب شوند، بر این قرار چاپ این نشریه که ابتدا از سوی برخی افراد محدود پیش بینی می شد، پایا شد و علاقه مندان خود را یافت. راقم تا قبل از مشاغل اجرایی در دانشگاه اصفهان، همواره با آن مأنوس بوده و اینک در طی دو سال گذشته به جهت تراکم کارهای دانشگاهی، سفارش نسخه های متعدد آن را به کار گزار مربوط برای تمام کتابخانه های دانشکده ای مرتبط با حوزه تاریخ، ادبیات، فلسفه و الهیات داده ام.

۲. دو بخش از آینه پژوهش برای نگارنده از جذابیت بیشتری برخوردار بوده: نخست بخش «کتاب شناسی های موضوعی» است که همواره به جهت علاقه مندی و ارتباط آن با موارد مورد تدریس، آن را دنبال نموده و بعضاً به منزله آموزش عملی و تکالیف درسی «مرجع شناسی اسلامی» این موارد را به دانشجویان عزیز ارجاع داده ام. امیدوارم این بخش بنا بر حسب ضرورت و نیاز مندی تداوم یابد و تعمیق یابد. دیگر، بخش «معرفی های اجمالی» است که از جنبه اطلاعاتی خوبی برای پژوهشگران و کتابداران بخش های سفارشات کتابخانه ها برخوردار است و به واقع مطالب راهگشایی را در ارائه اطلاعات نو در بردارد.

۳. اخیراً نمایشگاه بزرگی در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه اصفهان در حوزه موضوعی «قرآن کریم» در روزهای نخستین آذرماه برگزار شد که بخشی از آن پایان نامه های دانشجویی دانشگاه کشور بود. چنانچه آینه پژوهش بخش کوچکی را به بیان چکیده و خلاصه این منابع تخصیص دهد و به واقع ابعاد کارهای پژوهشی را در حوزه اسلامی در مراکز دانشگاهی کشور بیان نماید، برای پژوهشگران بسیار مغتنم و مفید است. از تورق این پایان نامه ها احساس کردم رشد فکری و عقلی دانشجویان عزیز در موضوعات معارف اسلامی در مراکز آکادمیک غرور آفرین و راضی کننده است.

۴. حسن عمده آینه پژوهش بر این قرار است که وجود دوره های این مجله برای هر کتابخانه دانشگاهی ضروری و اجتناب ناپذیر است، لیکن از نظر توجه به بیان معایب مجله، باید به ظاهر آن از منظر جلد، کاغذ، نوع کاغذ و گرافیک توجه نمود که امیدوارم با بهره جویی از یک بخش فنی معتبر، جنبه های ظاهری آن در حد معقول ارتقا یابد.

۵. بی تردید به جهت توجه به «بایسته های پژوهش» در سال های آتی، فکر و منظر نگارنده به مخزن نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه اصفهان است که طبیعتاً بخشی عمده از آن به معارف اسلامی مربوط است. طبع تفسیری از هیچ البلاغه به قلم ملا فتح الله کاشانی و چاپ عکسی قرآن کریم به تحریر میرزا ابراهیم قمی که به توسط پژوهشگران دانشگاه اصفهان در حال انجام است، از آرزوهای این حقیر است که امید به سرانجامی رسد.

با احترام دکتر احمد شهبانی

رئیس کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد

و مدیر گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه اصفهان

سوم آذرماه هشتاد و پنج شمسی

بسمه تعالی

۱. از شماره اول تا کنون (۹۹-۹۸) دیده و مطالعه کرده ام، ابتکار دوماهنامه آینده پژوهش با وجود آثار مشابه، قابل تقدیس و زحمات همه دست اندرکاران در خور تقدیر است، سلامت، قوت و نشاط آن عزیزان را خواستار است.
۲. گزارش ها، معرفی های اجمالی و گزارشی.
۳. معرفی آثاری که در خارج منتشر می شود.
۴. طولانی بودن برخی مقالات، که غیر ضروری است و نقدها مناسب است ادامه یابد.
۵. اکنون پژوهش در متون کهن اعتقادی ضروری است، که با توجه به نیاز و شرایط روز، احیا و تکمیل گردد، به عنوان مثال آثار شیخ صدوق را می توان مطرح کرد. پیشنهاد می گردد:
۱. برخی مقالات کوتاه تر و برای حفظ صفحات مجله - به تعدد نویسندگان و مقالات افزوده شود، تا تنوع و جذابیت بیشتر گردد.
۲. اگر صلاح باشد خلاصه ای از سوابق علمی نویسندگان آورده شود.

احمد صادقی اردستانی

۸۵/۱۰/۸

بسمه تعالی

سلام به آینه، آینه آثار، آینه پژوهش!

و سلام به ادیب خوش بیان و بنان، دانشمند در دانشنا، استاد بزرگوار حضرت مهدوی راد (دام ظلّه العالی) می خواستم با نوشتن نامه ای مفصل از زحمات خالصانه و مفید شما و جناب جنتی و دیگر دوستان و دانشوران دخیل در چاپ و نشر آینه پژوهش سخن بگویم و برخی از ستودنی های آن را بستیم که گرفتاری های ناگفتنی این فرصت را از دست کوتاهم ربود که حال و روزم چنان است که شاعر گوید:

هر کس انیس به قلم روز خوش ندید / از این سیاه چشم سیاه است روز ما
و از آنجا که در آستانه سفر به خارج از کشور هستم، به اختصار و با عجله چند کلمه ای را می نگارم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

۱. حقیر نیز مثل بسیاری از پژوهشگران جوان، دو دهه با مجله آینه پژوهش مانوس و همدم بوده ام و صدها ساعت را با لذت و زیبایی و صف ناپذیری با مطالعه آن سپری ساخته ام.

۲. همیشه روزها و هفته ها را شمرده ام تا شماره جدیدی از آن را به دست آورم و مانند تشنه ای در صحرا و کویری به آب رسیده، از خواندن آن روح عطشان خویش را سیراب کرده ام.

۳. فشرده سخن اینکه همیشه و پیوسته از آینه پژوهش، درس ها و نکته های بسیاری را آموخته ام که جای شکرش باقی است.

۴. به ویژه از ویژه نامه های آینه پژوهش فراوان آموخته ام و دو شماره ای را که ویژه امام حسین (ع) بود (شماره ۷۷ و ۷۸)، پر بارتر از همه دیده ام و سطر سطر آن را با دقت و شغف خوانده ام و از آنجا که به حوزه مطالعات من مربوط می شود، بارها و بارها به آن مراجعه کرده و هر بار با دست پر برگشته ام.

در پایان به عنوان یک شاگرد کوچک از استاد خویش چند خواهش دارم که اگر صلاح دیدند در نظر بگیرند: یک. به نقد و انتقاد بیشتر بها دهید و از اینکه سارقان و تاجران ناانصاف را در عالم علم و فرهنگ بشناسانید، نهراسید؟

دو. در هر سال دست کم یک ویژه نامه، در خصوص پیشوایان معصوم داشته باشید؟ سه. یکی - دو شماره را نیز مخصوص نهج البلاغه و سپس یک ویژه نامه را مخصوص صحیفه سجادیه قرار بدهید؟

چهار. اگر شماره هایی را به نقد و انتقاد از تحجر و عوام زدگی و غلو و غالیگری اختصاص دهید، بسیار بجا خواهد بود که این گناهان کبیره و بنیان برافکن علاوه بر مجالس و مناظر، در عالم تألیف و نشر نیز بیداد می کنند؟

پنج. در بخش «درگذشتگان» به دستارداران و گزارش صرف بسنده نکنید؟ شش. و اگر گزارشی هم از طرح های در دست اقدام داشته باشید، مفید خواهد بود.

با درود، و بدرود!

و به قول تبریزی ها:

یاشا آی کیشی آزاد یاشا؛ انسان یاشا!

محمد صحتی سردرودی

۸۵/۱۰/۲۸

قم



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

با اهدای سلام و تحیات

خدمت سروران معزز آینه سازان پژوهش و یاری گران پژوهیان و محققان اهل قلم، خصوصاً استاد مکرم جناب مهدوی راد و صدیق ارجمند جناب آقای جنتی - ادام الله ایام شوکتها - عرض خسته نباشید دارم.

بدون هیچ مبالغه و یا خدای ناکرده مدافعه ای به عرض می رساند که آینه پژوهش ما و شما گوهر تابناکی است که بر تارک دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم - صانها الله عن الحدثن - می درخشد و بحمدالله نمادی از روشنگری و روشن اندیشی در عرصه تحقیقات و پژوهش می باشد که سعی دارد در روش مند و ضابطه مند نمودن هر چه بیشتر نگارش و کتاب شناسی و اطلاع رسانی در زمینه های مربوط به کتاب گام بردارد و در این زمینه موفق هم بوده و فقط احساس می شود رنگ و لعاب تفسیری و ادبی آن بیشتر از جنبه های دیگر است و ای کاش اهتمام بیشتری به آشفته بازار کتب فقهی و اصولی (که رودست نویسی در آن بیداد می کند) در این مجله وزین و علمی می شد، اما پاسخ به سؤالات شما به صورت اجمالی:

۱. بنده تقریباً همه شماره های مجله را (از هر شماره تقریباً بیش از نیمی از مطالب حدود دو سوم) مطالب را مطالعه کرده ام. من که برای رؤیت جمال دل آرای هر شماره جدید روزشماری می کنم. مگر می شود همه شماره ها را نخوانم؟

۲. به ترتیب اولویت: الف) نقد و معرفی کتاب؛ ب) تازه های نگارش و نشر؛ ج) مقالات.

۳. در بالا ذکر گردید بررسی و نقد بیشتری از اوضاع کتب انتشار یافته در فقه و اصول.

۵. خلأ بزرگی که در بعض نسخه های خطی در کشور به چشم می خورد - که خدمت محقق و استاد ارجمند جناب آیت الله اشکوری هم عرض شد و ایشان تأیید فرمودند - امید است با پایش نهادن آن مجله وزین مرتفع گردد. نسخه های خطی در کشور بسیار وجود دارد و نهضت فهرست نویسی خوبی در این سال های اخیر آغاز گردیده، ولی متأسفانه خلأ بزرگی که وجود دارد، این است که فهرست موضوعی کامل و دایرةالمعارفی برای همه فهرست های منتشره وجود ندارد. این فهرست ها بسیار به کار محققان و نویسندگان می آید، به شرط آن که به صورت دقیق و تفصیلی همه ریز مسائل و عناوین به صورت موضوعی دسته بندی و مرتب گردیده باشد.

در آخر از تصدیع عذرخواهی نموده، دوام عمر دست اندرکاران و دوام بقای آینه پژوهش را از خداوند منان خواهانم و در وصف مجله وزین آینه پژوهش - که عمرش به درازای آفتاب باد - به شعر خواجه مترنم می گردم که: قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس».

شکسته قلم اهل قلم: صادق الطهوری

بسمه تعالی

حضور سردبیر اندیشمند گرامینامه آینه پژوهش جناب حجت الاسلام مهدوی راد

سلام و عرض ارادت اینجانب را پذیرا باشید

اکنون که به درخواست آن جناب، مطالبی چند در مورد رفیق چندین ساله ام، آینه پژوهش، می نویسم روز کتاب و کتابخوانی و ارزشگذاری به کتاب و کتاب ورزان است. مناسب می دانم این روز را به شما و همکاران آن نشریه که کتاب را به عنوان دغدغه اصلی کارتان برگزیده اید، تهنیت و شادباش گویم.

آینه پژوهش به عنوان یکی از پشنتازترین و ماندگارترین نشریه های اطلاع رسان و کتابگزار در حوزه علوم اسلامی در تاریخ نشریات ایران و بلکه سرزمین های اسلامی، حاصل دلسوزی و عشق ورزی و مداومت در کار دست اندرکاران فرهیخته آن از بدو تأسیس مجله تاکنون بوده است. همگان بر جدیت و عشق ورزی همین سردبیر کتاب شناس سال های اخیر مجله، جناب مهدوی راد، وقوف دارند. بنده خود به مناسبت های گونه گون و به ویژه در چندین نمایشگاه بین المللی کتاب، ایشان را به همراه دانشجویان و محققان ملاقات کرده ام و دیده ام که چگونه و با چه شیفتگی زاید الوصفی، کتاب ها را گلچین و خریداری می کنند و با علاقه مندی و گشاده رویی، پژوهشیان را در امر تحقیق و انتخاب کتاب رهنمایی می کنند. از یاد نبرم مدیر داخلی مجله جناب جنتی را که اکنون دیگر یک کتاب شناس اسلامی شده اند و هر از گاهی قلمزنی هم می کنند و در کار نشر دستی بر آتش داشته و در این شلوغ بازار کتاب به چاپ کتاب های علمی همت گمارده اند. توفیقشان مستدام!

سخن درباره ارزیابی و نقد ۹۹ شماره مجله که بنده فقیر تقریباً نیمی از این تعداد را با دقت و ولع و اشتیاق خوانده و نیمی دیگر را تماماً تورق نموده، سخت است؛ چه اگر جانب انصاف را بگیریم بایسته است که این ارزیابی به شیوه ای کتابخانه ای و میدانی همراه با مصاحبه و پرسشنامه و با رعایت اصول و جوانب تحقیقی صورت گیرد.

نکاتی که در اینجا در مورد این گرامینامه ارائه می شود، حاصل تأمل و تورق مجدد چند ساعته مجله است و سپس کار نقد علمی را به فرهیختگان و کارشناسان این امر احاله می کنم.

۱. با توجه به محدود بودن تعداد نشریات اسلامی کتابگزار در ایران از طرفی، و گسترش چاپ و نشر کتاب و تخصصی تر شدن علوم اسلامی و به دنبال آن ضرورت اطلاع رسانی بهینه در زمینه کتاب و مسایل نشر و ارتباط میان مؤلفان، کتابداران و ناشران و سایر دست اندرکاران عرصه فرهنگ و نشر کشور از طرف دیگر، ضرورت تداوم و تقویت و توسعه این نشریه و نشریات مشابه اطلاع رسان، بیش از پیش نمایان می شود.

۲. بخشی از مجله به چاپ مقالات علمی می‌پردازد. در این زمینه باید گفت علی‌رغم ارزشمندی و علمی بودن این مقالات، پاره‌ای از آنها به نظر کمتر با مقوله «نقد کتاب، کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی» به عنوان خط مشی اصلی مجله، ارتباط داشته است. خوانندگان محترم با مراجعه مجدد به شماره‌های مختلف مجله و یا احیاناً مراجعه به فهرست علمی و کم‌نظیر ۱۲ ساله آینده پژوهش که به همت کتاب‌شناس توانمند جناب محمد نوری به چاپ رسیده، به این مطلب واقف خواهند شد.

۳. درباره بخش معرفی گزارش‌های مجله باید گفت علی‌رغم اطلاعات کتاب‌شناختی مفیدی که در مورد کتاب‌های منتخب ارائه می‌شود، اما به نظر در وهله اول عدم جامعیت این بخش و سپس تقسیم‌بندی نه چندان علمی آن را به عنوان یک نقص باید مورد توجه قرار گیرد و در صدد چاره‌اندیشی آن برآمد. به نظر می‌رسد نشریه کتاب ماه دین از حیث جامع و علمی بودن در این بخش می‌تواند خلأ آینده پژوهش را جبران نماید. با یک نگاه اجمالی به این بخش از نشریه کتاب ماه دین می‌توان صحت این مطلب را دریافت. لذا آینده پژوهش در این مقوله احتمالاً یکی از دوراه را باید انتخاب کند: یکی حذف بخش معرفی گزارشی‌ها و دیگر اینکه اگر کتاب ماه دین، استقصای تام از کتاب‌های اسلامی ندارد، این بخش به وسیله آینده پژوهش با قید رعایت جامعیت و تقسیم‌بندی روشمند و علمی، تقویت و توسعه یابد. اما با توجه به دیدگاه، روش و حجم مجله، راه اول معقول‌تر می‌نماید.

۴. بخش کتاب‌شناسی موضوعی مجله همواره راهگشای محققان بوده و بسیاری از موضوعات مختلف را در بر گرفته، اما بسیاری دیگری از موضوعات خرد و کلان در حوزه علوم اسلامی نیازمند فهرست‌سازی است.

پیشنهاد می‌شود موضوعات گوناگونی که تاکنون در نشریات کتاب‌گزار و غیره فهرست‌بندی نشده، استخراج شود و در بخشی از مجله با عنوان بایسته‌های پژوهش (که جایز بسیار خالی است) ارائه شود تا پژوهشیان و یا احیاناً دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی بدان بپردازند.

توفیق روز افزونتان را از خداوند متعال خواهانم که: انه نعم المولی و نعم النصیر.

حسین هلیتیان

بسمه تعالی

برای گرامینامه آینه پژوهش

چه تعداد از شماره های مجله را - تقریباً - مطالعه کرده اید؟
 از شماره نخست خواننده پرویا قرص و باتوقی آینه پژوهش هشتم و اکنون هفده سال است از محضر کتاب شناسان مبنادار مجله شما فیض می برم .
 چه بخش ها و چه نوع مقالاتی از مجله برای شما جذابیت بیشتری داشته است؟
 هر آنچه که مربوط به غیر تهران است، برایم جذابیت دارد . دسترسی به کتاب های ناشران شهرستانی همچون دست یابی به آثار ایرانیان مقیم خارج از کشور بسیار دشوار است . هر دو به وسیله مسافر به تهران می رسد!
 چه نوع بحث ها، مقالات و یا بخش هایی را لازم می دانید بر صفحات مجله افزوده شود؟
 اهداف مجله را اگر مرور کنیم، می بینیم آینه پژوهش کمتر به دو مقوله ذیل پرداخته است :
 نخست به «انتقال تجربیات و رهنمودهای پژوهشی محققان و مؤلفان» و دو دیگر «شناساندن مراکز علمی و فرهنگی ...» .

چه نقدهایی را متوجه شماره های گذشته می دانید؟

نقش آینه پژوهش را در پیرایش و به پردازی کتاب های دینی در یک دهه و نیم اخیر نباید نادیده گرفت . قوت و ضعف و تفاوت شماره ها با یکدیگر از ویژگی های مجله های ماست . آینه پژوهش نیز در حیات هفده ساله اش این گونه بوده، آینه پژوهش برای ما سنجه و وضعیت جناب آقای مهدوی راد است . هرگاه شماره پر و پیمان به دستم می رسد، با خود می گویم جناب مهدوی راد در دو ماه اخیر کمتر به کار گل و جلسه های وقت گیر بی حاصل و مسافرت های مُمل و معاشرت های مُخل پرداخته و هم و غم خود را بر سر نشر آینه پژوهش گذارده است و شماره ای که آینه پژوهش اُفت می کند، متوجه می شوم دوستان حامل مزاحمت کامل برای ایشان فراهم آورده اند تا به کار دل کمتر پردازد .

محققان ما یا آینده پژوه اند یا گذشته شناس . شاید اغراق نباشد اگر بگویم همه امروز را رها کرده ایم . ۲۵ سال اخیر دوره افول سالنامه نگاری در ایران است . سالنامه منبع مرجعی برای آیندگان است . ما نه سالنامه ای برای فردایان به جا نهاده ایم و نه هیچ مرجع قابل اعتمادی دیگر! تاریخ شفاهی ما - جز مقوله جنگ - به بهمن ۵۷ ختم می شود . سرگذشت بسیاری از بزرگان ثبت و ضبط نشده، روایت روزنامه ای بسیاری از رویدادها برای نسل پسین باقی خواهد ماند و به نظرم برای فراهم آوری مواد تاریخ نگاری امروز برای آیندگان، باید فکری اساسی کرد .

سید فرید قاسمی

بسمه تعالی

جناب آقای استاد مهدوی راد

سلام علیکم،

احتراماً، با تشکر از حضرت عالی و آرزوی توفیق روز افزون شما و همکاران محترمتان در امر خدمت فرهنگی به دوستداران کتاب و کتابخوانی در قالب انتشار مجلهٔ وزین و گرانسنگ آینده پژوهش و نیز عرض تبریک به مناسبت انتشار یکصدمین شمارهٔ آن مجله، راجع به سؤالاتی که فرموده بودید، معروض می‌دارم:

۱. بنده تقریباً ۲۰ تا ۲۳ شمارهٔ پراکنده (و بیشتر از شماره‌های اخیر) مجله را که در دسترس بوده، مطالعه کرده‌ام.

۲. بخش‌های «نقد و معرفی کتاب»، «تازه‌های نگارش و نشر» و نیز مقالات مربوط به اندیشمندان مسلمان (و آرا و آثار آنان) برایم جذاب بوده است.

۳. اگر مقدور باشد بحث «اهمیت علوم طبیعی در اسلام و نزد مسلمانان» (از آغاز تا دوران معاصر) و مقالاتی راجع به آن و نیز بخشی با عنوان «معرفی اجمالی یا تفصیلی کتب علمی (scientific) دانشمندان مسلمان» به فهرست مطالب مجله اضافه شود، بهتر است.

۴. باید بگویم آینده پژوهش، با توجه به مطالب تحقیقی مندرج در آن، در بین مجلات تخصصی دیگر از اعتبار خاصی برخوردار است، به ویژه اینکه وجود زمینه گستردهٔ تضاروت آرای موافق و مخالف راجع به یک موضوع، یکدست بودن مطالب در عین تنوع آنها، توجه دست اندرکاران محترم آن مجله به گستردگی حوزهٔ فرهنگ اسلامی (با درج مطالب سنتی و هم روزآمد و مورد نیاز جامعهٔ اسلامی)، ... می‌تواند امتیاز مجله باشد. البته بنده مطالب شماره‌های سابق الذکر و ساختار کلی مجله را با توجه به حجم کمی آن مناسب می‌دانم. همان طور که عرض کردم، در صورت اقتضای توان رویکرد مسلمانان به علم (science) را (بنا به ضرورت زمانه) مورد توجه قرار داد و یا ذیل «کتاب‌شناسی موضوعی» به احصای کتاب‌های موضوع مزبور پرداخت.

۶. ترجمهٔ انتقادی مقالات Index Islamicas و زیست‌نامه‌های دانشمندان مسلمان و تحلیل آثار آنان (نوشتهٔ برخی مستشرقان و هم نویسندگان مسلمان غیر ایرانی) و تصحیح و چاپ نسخه خطی اخبار البلدان ابن فقیه همدانی (موجود در آستان قدس رضوی) و بخصوص آثار مخطوط به جای مانده از دانشمندان مسلمان در سده‌های گذشته (که متأسفانه در دسترس نیستند)، همواره مورد توجه بنده بوده است. ضمن اینکه دسترسی نسل جوان را به متون کلاسیک اسلامی ضروری می‌دانم و عرض می‌کنم: اگر آن متون به زبان روز تلیخیص شوند و ذیل عنوان «ضمیمهٔ» مجله انتشار یابند، خود خدمت بزرگی خواهد بود. هر چند که دیگران همین کار را کرده‌اند، اما دیدگاه‌ها و گزینش‌ها با یکدیگر تفاوت دارد.

ولی قیصرانی

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

سردبیر فرهیخته و ارجمند آینه پژوهش

جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین محمد علی مهلوی راد (دامت تأییداته)

با عرض سلام و تحیات فراوان

در این مقام که شاهد صدمین شماره ویژه مجله آینه پژوهش هستیم، لازم دیدم به پرسش های آن عزیز پاسخ گویم و پیش از آن از شما و جناب آقای یدالله جنتی، مدیر داخلی مجله، و همه دست اندرکاران فرهنگ دوست که به بهترین شیوه بستر فرهنگ سازی را فراهم می سازید، صمیمانه سپاسگزار می باشم. خدای بزرگ و یکتایار و یاورتان باد که با عرضه آینه پژوهش تا حدودی گردوغبار را از آینه حوزویان زدودید و دیدگان اهل نقد و نظر را جلا بخشیدید و نیروهای پژوهشگر بالقوه حوزوی را جرئت و جسارت عرض وجود دادید و دیدگاه دانشگاهیان را به حوزه تصحیح نمودید. ان شاءالله بهتر و بیشتر نیز موفق خواهید شد.

باش تا صبح دولتش بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است!

پاسخ سؤال ۱: بیشتر شماره های مجله آینه پژوهش را مطالعه کرده ام و همه آنها را صحافی، و به عنوان منبعی قابل توجه، گاه و بی گاه در شماری از موضوعات بدانها مراجعه می کنم. واقعاً جای چنین اثری در حوزه خالی بود و شما با همت بلند و یاری همکارانتان کاری ناکرده انجام دادید، تلاشی که بسیار ارجمند و بشکوه و گیراست.

آری، در بدایت امر موجب اعجاب شماری از فرهیختگان غیر حوزوی شده بود که آیا چنین کاری می تواند کار حوزه باشد؟! آنان حق داشتند چنین تصویری داشته باشند؛ زیرا پایه پای مجلاتی چون: یغما و سخن، و نویسندگان نکته پردازی چون: اقبال آشتیانی و وحید دستگردی و عبدالحسین زرین کوب، هرگز در ساخت حوزه ها همآوردی نمی دیدند که جرئت حرکت پایاپای با آنان داشته باشد، ولی بحمدالله اصحاب آینه پژوهش، هم خوب درخشیدند و هم نیکو فروغ تابناک خورشید پژوهش را با آینه وجودشان منعکس نمودند. به هر حال، دست مریزاد!

پاسخ سؤال ۲: در شماره های نخستین، سلسله نکات نقد گونه ادبی جناب آقای رضا مختاری و مقالات ادیبانه جناب آقای محمد اسفندیاری بیش از همه برایم جالب بود، به ویژه آنکه از سر اخلاص و احساس مسئولیت ادبی و رسالت قلمزنی با جد و جهد تمام پیگیر اهداف ارجمند خویش بودند. به گمانم تأثیر بسزا و بجایی داشت و امری لازم و ضروری می نمود و از همه مهم تر اینکه رسالت قلم را در شعاع حوزه های علمیه حال و هوایی دیگر بخشید.

معرفی تازه های نشر در مجله کاری شایسته و بایسته بود و بحمدالله هنوز هم ادامه دارد. بخش «درگذشتگان» مجله، امری بسیار لازم بود و مورد توجه فراوان قرار گرفت و قطعاً در آینده هم به عنوان مأخذی معتبر و گویا مطرح خواهد بود؛ اما سلسله مقالات تحقیقی کتاب شناسی، جان جانان مجله را تشکیل داده که هر چه در اهمیت آن بگویم، کم گفته ام.

پاسخ سؤال ۳: اگر دامنه نقد کتاب در مجله توسعه پیدا کند و به عنوان کلی «نقد» شامل نقد هر نوشته قابل

توجهی شود، بر جذابیت آن خواهد افزود. به هر حال، نقد هر اثر مکتوب، ولو اینکه عنوان «کتاب» نداشته باشد، مفید خواهد بود. بارها می‌خواستیم شماری از نقدهای ترجمه‌های قرآن را که از سر تحقیق بدان‌ها پرداخته‌ام، دست کم شماری از آنها در مجله شما درج گردد، ولی به بهانه اینکه آینه پژوهش جای نقد کتاب است نه ترجمه قرآن، با عدم پذیرش مواجه گردید! به هر حال، اگر دامنه موضوعات نقد را گسترش دهید، بر جاذبه مجله و شمار خوانندگان آن نیز افزوده خواهد شد.

پاسخ سؤال ۴: فعلاً نقد خاصی به شماره‌های گذشته مجله آینه پژوهش به نظر نمی‌رسد؛ تنها نکته‌ای که بیان آن لازم به نظر می‌رسد، اینکه: شیوه ویرایش مقالات، یکدست نیست! بالاخره من نفهمیدم که بنای ویراستاران شما چیست؟ ای کاش همان مبنای فرهنگستان زبان و ادب فارسی را برای وحدت رویه در پیش می‌گرفتند. نکته دیگر هنوز که هنوز هست، وجود غلط‌های تایپی است. لذا پیشنهاد می‌شود که دو سه نفر نمونه خوان داشته باشید تا ظرافت‌ها و زیبایی‌های مجله گران سنگ شما دستخوش نارسایی‌های جزئی آن نشود. به عقیده این جانب تنها مجله‌ای که از جهت تایپی بی‌غلط دیده‌ام، مجله ترجمان وحی است که تاکنون ۱۹ شماره آن را با دقت تمام خوانده‌ام، ولی حتی یک غلط تایپی هم در آنها نیافته‌ام! لذا بارها به خاطر این همه دقت و دیگر جهات امتیاز آن از جناب آقای نقدی سپاسگزاری نموده‌ام.

پاسخ سؤال ۵: اگر به موضوعات زیر پرداخته شود، بسیار حائز اهمیت خواهد بود:

۱. تدوین یک دوره «تاریخ اسلام» فقط بر اساس منابع شیعه؛
 ۲. آثار مکتوب بر جای مانده شیعیان در قرن اول و دوم؛
 ۳. آثار مکتوب اهل بیت (ع) (دست‌نوشته‌های خود آن بزرگواران نه نقل قول از آنها) در موضوعاتی از قبیل: تفسیر، معارف، تاریخ و فقه؛
 ۴. تحقیق در رسم الخط قرآن کریم و ارائه رسم الخطی شیوا و جدید و به دور از رسم الخط قرآنی‌های پر غلط کنونی، حتی عثمان طه؛
 ۵. ارائه طرحی نو در رساله‌های فقهی برای همه مردمان؛
 ۶. عرضه احادیث شیعه به صورت منقح همراه با اعراب گذاری دقیق و چاپ شیوا؛
 ۷. ترجمه تفاسیر معتبری چون مجمع البیان و تبیان به صورت منقح و بدون غلط زیر نظر چند نفر از محققان قرآن پژوه؛
 ۸. تدوین سیره اهل البیت (ع) به گونه مستند و علمی و به دور از خرافات؛
 ۹. ارائه تفسیری جدید از قرآن کریم بدون زواید و مطالب جانبی غیر لازم با طرحی کاملاً نوین.
- به گمان این بنده، اگر در مجله وزین آینه پژوهش، موارد مذکور مورد توجه و تجزیه و تحلیل واقع شود، انتظاری بجا خواهد بود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

محمد علی کوشا

باسمه تعالی

جناب آقای محمد علی مهلوی راد (زید عزه)

با اهدای سلام خدمت حضرت عالی و دست اندر کاران آینده پژوهش

دست مریزاد و خسته نباشید به شما و تمام همکاران که علی رغم مشکلات فراوانی که فراوی این نوع کارهاست، این آینده را به سلامت بدون شکستگی به منزل صدم رساندید. از خداوند حکیم سلامت و موفقیت شما را آرزو دارم.

اما بعد:

الحمد لله توفیق داشته ام، چون آرشیو مجله شما را دارم و مشترک هستم، از شماره اول تا شماره اخیر را ببینم. برخی از مقالات و شماره ها را با شوق بسیار خوانده ام، ولی بدیهی است همانند تمام آثار علمی، مقالات و شماره ها، در یک حد و اندازه نیست، ولی از حد نشریه علمی خارج نشده است. در بیان و در فصاحت کی بود یکسان سخن / گرچه گوینده بود چون جاحظ و چون اصمعی.

در سال های اول بخش تجربه ها و مقالات بنیادی همانند شیوه نقد کتاب، عنوان کتاب و ... برایم مفید بودند، اما در تمامی شماره ها نقد و معرفی کتاب، تازه های نگارش و نشر، معرفی اجمالی و کتاب شناسی ها را حتماً می خواندم؛ اخبار در گذشتگان نیز علاوه بر اطلاع از احوال دانشیان در گذشته برایم تازیه سلوک است که فراموش نشود کل نفس ذائقة الموت، و هر که باشی و ز هر جا باشی / آخرین منزل هستی این است. اما بحث هایی که بهتر است به نشریه اضافه شود:

الف) معرفی تفصیلی نرم افزارهای پژوهشی (همانند مقاله ای که دوست شفیق و گرامی دکتر محمدرضا ابن الرسول در معرفی الموسوعة الشعرية نوشتند) و سایت های علمی، کتابخانه های الکترونیکی و طرز استفاده از آنها.

ب) معرفی کتابخانه های معتبر و تعداد کتاب ها و نشریات آن؛ چون متأسفانه ما دچار عقده خود بزرگ بینی هستیم. تا کتابخانه ای در جایی ساختیم، سریع می گوئیم بزرگ ترین کتابخانه را در خاور میانه ساخته ایم. صاحب این قلم چندین بار لاف و گزاف مذکور را در جاهای مختلف شنیده ام که آخرین بار آن هنگام افتتاح کتابخانه دانشگاه آزاد نجف آباد بود و همان وقت در دل با خود گفته ام با اینان خاور میانه را نمی دانند کجاست و یا کلمه بزرگ ترین صفت تفصیلی و عالی نیست.

ج) امروزه با گسترش دوره های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه ها فهرست پایان نامه های دفاع شده به تفکیک موضوع (الهیات و معارف اسلامی، فلسفه، تاریخ، ادبیات، حقوق و ...) در هر ترم از ضروریات اطلاع رسانی تحقیق است. در یک جست و جوی ابتدایی در فهرست پایان نامه های ادبیات^۱ متوجه شدم در بعضی موضوعات جزئی بیش از ده رساله تحصیلی نوشته اند. برخی از آثار مخلوط برای چندمین بار بر اساس نسخه های واحدی تصحیح شده اند^۲. لغات و ترکیبات و مشکلات تعدادی متون برای بیستمین بار حل شده است، و قس علی هذا فعلل و تفعلل.

اینجانب آمادگی خود را برای گزارش پایان نامه های دانشگاه اصفهان در حوزه فرهنگ اسلامی و ادبیات

فارسی اعلام می» دارم. پیشنهاد می‌گردد در شهرستان‌ها خبرنگار علمی افتخاری داشته باشید تا اخبار علمی همایش‌ها و کارهای منتشر شده در شهرستان‌ها را که معمولاً اخبار آن به تهران و جاهای دیگر نمی‌رسد، گزارش کنند تا دیگران نیز مطلع شوند.

نیز باید راهی پیدا کرد و پایان‌نامه‌هایی که در کشورهای دیگر دفاع می‌شود و با تحقیقات در زمینه‌های یاد شده همسویی دارد، معرفی گردد. از باب نمونه، فقط در دانشگاه‌های عین شمس و الازهر کشور مصر از بیست سال پیش هر سال پنج نفر از پایان‌نامه‌های خود در دوره دکتری ادبیات فارسی دفاع می‌کنند و ما هیچ اطلاعی از کار آنان نداریم.

د) از کارهای لازم، نقد و معرفی منابع و مآخذ پژوهشی است که سال‌های قبل نوشته شده است و هنوز از مآخذ معتبر شمرده می‌شود، ولی چون نسخ آن کمیاب و نایاب است، پژوهشگران جوان از آنها بی‌اطلاع اند و این چراغ عمر را که دیگری سوزانده تا اثری فراهم کرده است، به خاطر بی‌اطلاعی دوباره بیهوده تلف می‌کنند (همانند ذیل قوامیس عرب دزی، طبقات سلاطین اسلام استانی پول، تاریخ التراث العربی فؤاد سزگین و ...). کم نیستند کسانی که هنوز صفحه به صفحه شاهنامه و مثنوی و حافظ و ... را ورق می‌زنند و واژه‌های خرد و عقل و عشق و مستی و ... را استخراج می‌کنند و تصور می‌کنند که خدمتی به عالم پژوهش‌های ادبی کرده‌اند و از فرهنگ شاهنامه فریفتس و لطف، کشف الکلمات مثنوی (از دریا به دریا، علامه جعفری) و فرهنگ واژه‌نامه حافظ فراهم آورده‌اند خانم مهین دخت صدیقیان و آثاری از این دست غافل‌اند. اگر چه امروز لوح‌های فشرده نیز همانند «درج» به بازار آمده است و خیلی از این نوع کارها را تسهیل کرده است، ولی هنوز هستند دانشگاه‌هایی که پایان‌نامه دانشجویان آن تهیه فرهنگ بسامدی یا کشف الکلمات فلان شاعر است.

ه) همان گونه که اشاره کردم، بخش تجربه‌ها - که در سال‌های اول در نشریه بود، ولی نمی‌دانم چرا قطع شد - برای بهره‌مندی از تجربه‌های پیشکسوتان تحقیق بسیار مفید بود و هست. از باب نمونه، در جهان کتاب‌شناسی ایران هر گاه سخن به میان آید، نام ایرج افشار بر زبان می‌رود و پسندیده است با افرادی همانند ایشان مصاحبه و شیوه کار ایشان در فهرست مقالات فارسی و صدها کار دیگر، معرفی و نقد شود. (و) از کارهای بایسته پژوهش تهیه فرهنگ‌های تخصصی در موضوعات گوناگون (فلسفه، کلام، فقه، اصول، بلاغت، صرف و نحو و ...) به زبان فارسی و با تکیه بر تحقیقات و نیازمندی‌های امروز است.

باسپاس مجدد

محسن محمدی فشارکی

۱۳۸۵/۹/۹

پی‌نوشت‌ها:

۱. طرح پژوهشی یکی از همکاران در دانشگاه مشهد، منتشر نشده (کتاب‌شناسی پایان‌نامه‌های رشته زبان و ادبیات فارسی).
۲. از عوارض این بی‌اطلاعی از رساله‌های دفاع شده، علاوه بر کارهای مکرر، اینکه عده‌ای که به صورت بانندی نیز فعال هستند، از پایان‌نامه‌های دانشجویان با واسطه‌هایی که دارند؛ زیرا کس و عکس تهیه می‌کنند و به دانشجویانی که پول دارند و فرصت ندارند، می‌فروشند. آنان نیز به خاطر اینکه وقت طلاست، بدون اینکه حتی آن را تایپ مجدد کنند، در یکی از دانشگاه‌ها آزادانه دفاع می‌کنند. گاهی در ورودی دانشگاه‌ها اطلاعیه‌هایی با این مضمون می‌بینیم: «تهیه و تدوین پایان‌نامه در اسرع وقت».

به نام کتاب هستی

سر دبیر محترم وزین نامه‌آینه پژوهش

با سپاس از اینکه حقیر را نیز در حلقه‌ی دوستان خود پذیرفته‌اید و قابل دانسته‌اید که نظر حقیر را هم بپذیرید، ذیلاً پاسخ‌های کوتاه خود را می‌آورم:

۱. تقریباً بیشتر شماره‌های آن.

۲. نخست، نقد و معرفی کتاب‌ها به ویژه کتاب‌هایی که در حوزه فرهنگ، ادب، تاریخ، مرجع و کتاب‌شناسی است؛ دوم، معرفی گزارشی و سوم شرح حال‌ها.

۳. گفت و گو با پژوهشگران به ویژه کتاب‌شناسان برجسته، مرجع‌نگاران و مصححان نامور. هر چند نگارنده معتقد به تقلید نیست، اما می‌توان با بررسی نشریات همانند در حوزه کاری آینده پژوهش، مانند: آینده میراث، بهارستان، گزارش میراث، جهان کتاب، نشر دانش و... هم به یافته‌هایی جدید رسید و هم کاستی‌ها را دید.

۴. بسیاری از اهل پژوهش، آینده پژوهش را صرفاً یک نشریه حوزوی می‌دانند که در مباحث دینی کار می‌کند تا نشریه‌ای حاوی مباحث کتابداری و اطلاع‌رسانی. از این نظر میزان بهره‌وران مجله را طیفی خاص که عمدتاً شامل طلاب علوم دینی علاقمند به مباحث پژوهشی و کتابداری می‌شود، در بر می‌گیرد، که از این نظر می‌توان با توسعه در حوزه فعالیت، توزیع مجله و فعالیت در دیگر جنبه‌های پژوهشی، بر میزان مخاطبان مجله افزود.

۵. از جمله مباحثی که در ایران کمتر بدان بها داده می‌شود، چاپ کتاب‌شناسی‌ها، فهرست‌ها و کتاب‌های مرجع است که آن هم به دلیل استقبال کم خوانندگان است. از این رو، کمتر ناشری حتی ناشران دولتی مایل به کار در این زمینه و چاپ این گونه آثار است. بدین دلیل، نه ناشران مایل به سرمایه‌گذاری در این مورد هستند و نه محققان می‌توانند به چنین مهمی که حاصلی جز کم‌سو شدن چشم و پیرچشمی و خمیدگی قامت دارد، دست یازند؛ در حالی که همگان می‌دانند کتاب‌های مرجع، کتاب‌شناسی و فهرست‌هایی از کتاب‌های بنیادی برای پژوهش است. از این رو، آرزو داشتم که کاش مرکزی برای چاپ این گونه کتاب‌ها بنیان می‌شد تا در قبال این سرمایه‌گذاری، بسیاری از پژوهشگران ترغیب به تهیه و تدوین کتاب‌های مرجع می‌شدند.

دومین آرزو، تجدید چاپ بسیاری از کتاب‌شناسی‌ها، فهرست و کتاب‌های مرجع است که سال‌هاست نایاب شده و به بهای گزافی در بازار کتاب به فروش می‌رسد؛ مانند: فهرست نسخه‌های خطی فارسی تألیف استاد احمد منزوی (چاپ ایران و چاپ پاکستان در ۶ و ۱۴ جلد)، کتاب ایرانشهر، فهرست کتاب‌های چاپی تألیف زنده یاد خان‌بابا مشار و ...

سومین آرزو، ادامه تدوین و فهرست نگاری کتاب‌های خطی ده‌ها کتابخانه عمومی ایران است که سال‌ها کسی به فکر فهرست نگاری آن نیست و آن هم به غیر از دو دلیل گفته شده، یعنی کمبود پژوهشگر و فهرست‌نگار (به دلیل نبود مراکز تربیت فهرست‌نگار) و عدم وجود ناشر کتاب‌های مرجع، شامل نداشتن سرمایه برای فهرست نگاری، تهیه، تدوین و چاپ فهرست نسخه‌های خطی از سوی کتابخانه‌هاست.

بگذریم از اینکه برخی از کتابخانه‌ها با اینکه بودجه خوبی هم دارند، اما صاحب‌همتی نیست که دلسوز این کار باشد. نگاهی به تاریخ چاپ آخرین جلد فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران، گویای این آسیب شدید فرهنگی است که باعث شده بسیاری از پژوهشگران از وجود چندین نسخه خطی موجود در ایران ناآگاه باشند.

الف) کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران - ۱۳۴۱.

ب) کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری) - ۱۳۵۷.

ج) کتابخانه وزیری یزد - ۱۳۶۴.

د) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - ۱۳۶۴.

ه) کتابخانه مجلس سنای سابق (شورای اسلامی شماره ۲ فعلی) - ۱۳۵۹.

و) و غیره.

یعنی ۴۴ سال است که اطلاعی از فهرست برخی کتابخانه‌ها نیست.

با احترام فراوان

حسین مسرت

یزد، ۱۳۸۵/۸/۱۵



بسمه تعالی

سر دبیر محترم مجله وزین آینه پژوهش، برادر ارجمند حضرت مستطاب جناب حجت الاسلام والمسلمین مهدوی راد سلام علیکم

بعد التحية و السلام در پاسخ به پرسش هایی که مطرح فرموده بودید، نکته هایی چند که به نظر قاصر و فاتر رسید، به ترتیب شماره سؤال های طرح شده تقدیم می گردد:

۱. شماره های آغازین مجله را تقریباً من البدو و الی الختم مطالعه می کردم؛ ولی شماره های سال های اخیر را به طور جسته گریخته و در مواردی در حد ورق زدن و نیم نگاهی به فهرست عناوین مقالات مرور کرده ام و صد البته نه بدان جهت که بدان اهتمام نداشته ام؛ بلکه از این رو که فرصت و فراغت کمتری یافته ام.

۲. بخش نقد و معرفی کتاب، تازه های نگارش و نشر، تا کنون جذابیت بیشتری برایم داشته است.

۳. خوب است در نشریه، بابی گشوده شود درباره شیوه فهرست نگاری حداقل در چند شماره و در هر شماره نمونه هایی از فهرست های ناکارآمد و بی خاصیت ارائه گردد؛ چرا که اکثر قریب به اتفاق فهرست های کتاب های موجود در بازار چاپ و نشر فقط کتاب را قطور و چاق و چله می کنند و گویا کمترین چیزی که به آن توجه شده است، انگیزه فهرست نگاری است.

۴. پاسخ به پرسش چهارم متوقف بر سروری تأمل بر انگیز و نقادانه به شماره های گذشته است که متأسفانه فعلاً مجالش را ندارم؛ البته نه به قول شما «سوگمنده». نقداً همین نقد را متوجه شماره های گذشته کنید و از تعبیرهای کلاسمندانه این چنینی احتراز فرمایید. در همین نامه فراخوان شما کلمه «سزای» را به جای «سزاوار» نمی پسندم. پارسی را پاس داشتن بدین نیست که «متأسفانه» را «سوگمنده» کنیم! جای تأسف است که امروزه در احوال پرسی ها و محاورات روزمره به جای «الحمدلله» بسیار مشهود است که «مرسی» رسم شده است! امام حسینی (ره) تحفظ داشتند که در تعارفات خود و از باب نمونه، هنگام دعوت میهمان بر سر سفره به جای «بفرمایید»، «بسم الله» بگویند تا ذکر خدا هم گفته باشند. حاشیه نروم، حکمت آموختن به نعمان خطاست، خوانندگان حکیم بر این بی بضاعت ببخشایند.

۵. در پاسخ به سؤال پنجم که جانمایه این فراخوان است، باید عرض کنم که بازار چاپ و نشر، خیلی بی در و پیکر و کاسب کارانه شده است و چندان نظارتی هم نیست با آن همه اهمیتی که کتاب به عنوان جانمایه جاودان و غذای روح دارد که: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ^۱، و مستحضرید که «طعام» در این کریمه و در تفاسیر، به خوراک جان و فکر و روح هم تفسیر شده است.

یکی دو سال قبل در پی اقناع احساس پاك جوانی که خواست کتابی درباره علائم آخرالزمان برای او تهیه کنم، به چند کتابفروشی مراجعه کردم و بالاخره کتابی با عنوان یاد شده توجه مرا به خود جلب کرده. آن را خریدم و با مروری بر آن، عطایش را به لقایش بخشیدم، و آن قدر مضحک و آبکی بود. به رغم عنوان فریبنده و پر طمطراق آن- که روانداستم به آن جوان شیفته و دلباخته حضرت بقیة الله الاعظم- روحی له الفداء- هدیه و با احساسات پاك آن جوان علاقه مند به صاحب الامر بازی کنم:

گر تو قرآن بدین خط نمط خوانی ببری رونق مسلمانی!

نمونه هایی از تعبیرهای آن کتاب را ذیلاً- و بدون کم و کاست (ویرایش)- برایتان نقل می کنم؛ با وجود حدیث مفصل بخوان از این مجمل:

۱. «در آخرالزمان گروهی خروج می کنند که تازه جوانند، یعنی سبک سر و سفیه و بی صبور، قرآن را

می خوانند...» (ص ۴۸، و تکراری مورد و دوباره آن در صفحه ۲۷۶).

۲. «در الملاحم الفتن، ص ۵۱ عبدالله بن اسماعیل بصری عن پدرش روایت کند که گفت: ...» (ص ۱۰۷-۱۰۸).

ملاحظه می فرمایید تعبیر «عن پدرش» را آن هم زمانی که یک جوان ناآشنای به زبان عربی بخواند آن را بخواند. غفرالله لی و لکم و لهم، از این گونه نگاشتن و نامش را خدمت گذاشتن: «يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» ۲.

۳. «روز خراب شدن مادر شهرها و خواهر عادت است» (ص ۲۵۴).

۴. «به درستی که برای بهشت هشت در می باشد و یکی از آنها مال اهل قم خواهد بود و ایشان از بین سایر بلاد بهترین شیعیان ما هستند. خداوند ولایت ما را در خمیر مایه وجودی ایشان قرار داده کرده است» (ص ۲۷۱-۲۷۲). این گونه ترجمه و تألیف سر از کجا در می آورد؟ خدا می داند. این مشت نمونه ای از خروارها کتابی است که به نام مذهب چاپ و نشر و توزیع می شود و متوقعیم که نسل جوان را به خود جذب کند، آن هم در مقابل جاذبه های کاذب دشمنان این مرز و بوم که به تعبیر رهبر معظم انقلاب با «شیخون فرهنگی» خویش قلب های پاک جوانان ما را نشانه رفته اند.

در ادامه این شکواییه و چون اشاره ای فرموده اید به کتاب های شایسته ترجمه، باید اضافه کنم که در این آشفته بازار، اوضاع ترجمه - حداقل در موارد بسیاری نابسامان تر و رسواتر از تألیف است. در این باره ترجیح می دهم که زمام قلم را به نویسنده متعهد و درآشنای معاصر، حضرت استاد محمدرضا حکیمی، بسپارم که نگاشته اند: «این کار (ترجمه کتاب های مذهبی)، به صورت حرفه درآمده است و ابتدا اصول در آن رعایت نمی شود. حرفه که می گویم، نه به این معنی که اشخاص وارد و مطلع و حرفه ای دست به این کار می زنند. کاش این گونه بود! مقصودم از حرفه معنای دیگر آن است؛ یعنی وسیله کسب مال و شهرت و امثال آن. در واقع کسانی که استادند و ترجمه آنان قابل قبول است، اندک اندک، خیلی اندک. بیشتر متن های مذهبی و کتب اسلامی - که در اصل بلیغ و شیوا نوشته شده است و دارای نثری بلند و استوار و نافذ است - در ترجمه به صورتی مبتذل و منحط و به قول طلاب «ترجمه های کان بکون» و «به درستی که» و «آنچنانی که» و ... عرضه گشته است. مترجمان و ناشران، به حدود و وظیفه پای بند نیستند و یا به حدود امر آگاه نیستند و در نتیجه بهترین موارث فرهنگ اسلام را به خنک ترین، بدترین، منحط ترین نوع ترجمه و چاپ عرضه کرده اند. این روش باعث انزوا و انحطاط و زوال فرهنگ دینی است و این سهل گیری و بی توجهی خیانت است به اسلام و خیانت است به فرهنگ متعالی اسلام و به کلام والای بزرگان اسلام، و سخن پر رونق علمای اسلام.

در مورد ترجمه از عربی به فارسی، (مترجم) باید به جز دانستن علوم ادبی عرب، دستور زبان فارسی را بداند، از شعر و نثر فارسی آن قدر خوانده باشد که بر زبان و تعبیرات آن مسلط باشد. در استفاده از متون لغت اصولی را که یاد شد، رعایت کند. نیز باید مترجم استاد ببیند و کار خود را بر استادان فن عرضه کند. اگر مورد پسند واقع شد، ادامه دهد، وگرنه برای رضای خدا، دست از تباه ساختن متون مذهبی بردارد. ممکن است شخصی در خود استعداد کار ترجمه را بیابد، در این صورت باید به یاد گرفتن مبادی آن پردازد و به استاد رجوع کند و زحمت بکشد و کار خویش را دیرتر عرضه کند و کمتر، تا خدمت باشد به جامعه و به فرهنگ اسلامی، نه خیانت.

ترجمه متون مذهبی و کلام خدا و اولیای او به هر زبانی، خدمتی است بزرگ که انسان بندگان خدا را با گفته های او و اولیای او آشنا کند، اما به شرط صحت کار. از این رو، کسی که می خواهد این خدمت مقدس را

انجام دهد، باید برود و مبادی و مقدمات این فن را و سبک‌های مختلف آن را نیک بیاموزد و از زبان فارسی و دستور زبان و آثار نویسندگان بزرگ تبهر پیدا کند ...

کار مذهبی-اجتماعی را بد انجام دادن گناه است. یک فارسی زبان که عربی نمی‌داند، با این ترجمه‌ها، چه رغبتی به خواندن کتاب‌های مذهبی پیدا می‌کند؟ آیا به این فکر نمی‌کنید؟ آیا با مذهب کاسبی می‌کنید؟ اگر گمان می‌کنید ترجمه متون مذهبی و تألیفات عالمان بزرگ شیعه-که خود بهترین نثرها و سبک‌ها را در کتاب‌های خویش به کار برده‌اند-خدمت است به دین و نشر این ترجمه‌ها کاری است برای اسلام و تشیع، اشتباه می‌کنید. اگر قصد خدمت دارید و آهنگ مال و مثال ندارید، دست از این کار بردارید، کتاب‌ها را زده و خراب نکنید، تا استادان و شایستگان و متخصصان به هنگام لزوم-پا پیش نهند و کار را به صورت شایسته انجام دهند و دین خدا را از طریق نشر فرهنگ متعالی آن مدد رسانند- و ما ذلک علی الله بعزیز.

... بنابراین ترجمه کلام کسی-تا چه رسد به کلام خدا و پیامبر و امام و عالمان دین- جایز نیست، مگر وقتی مترجم و ناقل از همه خواص و اژه‌ای و ترکیبی هر دو زبان مطلع باشد، مجاز، کنایه، استعاره، ضرب‌المثل و انواع تعبيرات دو زبان را بشناسد و از نظر سبک بیان و سطح کلام و هویت تعبیر و اصالت سخن و سخنرانی نیز در حد گوینده اصل باشد، و گرنه کار ترجمه، در غیر کلمات دینی، عقلاً حرام است و جرم، و در کار آثار دینی هم عقلاً و هم شرعاً.

و اما بیشتر ناشران و کاسبان انتشاراتی که این ترجمه‌ها را نشر می‌کنند، خود داند و خیانت خود. اکنون که کسی نیست تا دست آنان را ببندد و جلوی کاسبی کردن آنان را با حقایق دین بگیرد و از پابمال کردن فرهنگ دین بازشان دارد و سخنان پیشوایان و متون عالمان را از چنگ آنان رها کند و نجات بخشد.

دردا و اندوها از این صورت‌های کاسبانه و پول پرستانه و مبتذل، از این چاپ‌های بد و حروف‌های کهنه، از این پشت جلد‌های سبک و طرح‌های خنک و بی‌معنی، از این ترجمه‌های پای صفحه‌ای تهوع آور، و از این ترجمه‌های تمام صفحه‌ای نا استوار منحنی‌ریب و شگفتنا از این گونه نگاهداری از دین و میراث دین و فرهنگ تشیع و کلام ائمه! و فریاد از این قطع رابطه‌ای که میان جوانان و فرهنگ دینی، در اینگونه عرصه‌ها رخ می‌دهد، و فریادا ... و فریادا! ...^۲.

ای کاش به جای این ترجمه‌های آبکی و خلق‌الساعه، آثاری که بزرگانی همچون مرحوم علامه شعرانی پیشتر و دقیق‌تر و به مراتب بهتر ترجمه کرده‌اند، تجدید چاپ می‌شد و نه فقط ترجمه‌های ایشان؛ بلکه همه آثار این بزرگان نشر می‌یافت. اگر این آثار ماندگار به سبک روز و چشم‌نواز، با استفاده از رایانه و یارانه-منظورم از کلمه اخیر سوئیسید و تسهیلاتی است که متصدیان امور فرهنگی کشور می‌توانند در اختیار نهند تا کتاب به قیمت مناسب در دسترس قرار بگیرد-قرار می‌گرفت و بازار کتاب از آن اشباع می‌شد، کسی سراغ آن ترجمه‌ها نمی‌رفت.

ای کاش آثار مرحوم میرزا احمد آشتیانی به ویژه طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز او تجدید چاپ می‌شد و فهرست نگارانی متعهد و متبحر احادیث آن را موضوعی مرتب می‌کردند. اگر دستی از غیب برون آید و کاری بکند، خیلی بجاست که در آثاری همچون ذیحج الفصاحه هم روایتش، روشمند و کارشناسانه موضوعی شوند. ظاهراً در این خصوص تاکنون کارهایی شده است، ولی فنی نیست.

ای کاش مجلدات الغدیر تلخیص و ترجمه می‌گردید، به گونه ریختن بحر در کوزه و نه همچون «گزیده کافی»! و ای کاش نشر الکترونیک می‌یافت و روی شبکه جهانی اینترنت قرار می‌گرفت و همچنین آثار گرانسنگ مرحوم علامه شرف‌الدین.

ای کاش سهم عمده‌ای از پژوهش‌های حوزه به قرآن و درک مفاهیم و معارف قرآنی و در جهت مهجوریت زدایی

از ساحت مقدس این کتاب آسمانی اختصاص می‌یافت و ای کاش و ای کاش

اگر مجالی می‌داشتیم تفسیر المیزان، اطیب البیان و مخزن العرفان را تلخیص می‌کردیم. اطیب البیان نیاز به بازنگاری و تحقیق دارد.

انگیزه تحقیق و پژوهش و تألیف باید حل عقده‌ای از معضلات و مشکلات جامعه باشد و ال‌کاربردی و کارآمد نخواهد بود.

پس از آن سرقت اول و ناشیانه از گوهر وقت که ماجرای آن به آینه پژوهش هم کشید، رند دیگری شصت صفحه کامل از آن را در کتاب خود چپانید و چاپید. عنوان آن کتاب را که قریب یک سومش عیناً از متن گوهر وقت سرقت شده است، بر ملا نمی‌کنم تا نویسنده اش مفتحض نشود. خدا را بی نهایت سپاس که این گوهر گرانبه، طعمه خوبی برای ربودن شده است تا در پرتوی آن معارف اهل بیت (ع) در گستره وسیع تری منتشر گردد. این سرقت‌ها شاید آزمونی برای اخلاص نویسندگان است. آن‌ها گردآورنده محترم هرگز بیم و هراسی به دل راه ندهد و مطمئن باشد که این راز را همواره پوشیده نگاه خواهیم داشت.

در همین جای یاد خاطره ای افتادم که نقل آن خالی از لطف نیست: در روستای اسفیداجان، از توابع اصفهان، ولایت ما، و در ایام مجاعه از مرحوم پدرم سید کاظم مطلبی نقل می‌کنند: سارقی ظرفی از مس برداشت ببرد که آقا- که آقای علی الاطلاق آبادی بود- از راه رسید و او را دید. دزد ظرف را گذاشت و آقا را به جدش سوگند داد که ماجرا را به کسی نگوید و آقا هم نگفت. مرحوم والده که صاحب سر خانه بود، می‌گفت بارها هر چه اصرار کردم که آن شخص کی بود- و حتی در این حد- آیا زن بود یا مرد، نگفت و این راز همچنان پوشیده ماند تا رخ در نقاب خاک کشید و تن به تیره تراب نهاد- رحمة الله علیه.

در پایان، نکته‌هایی چند درباره ویراستاری نگاشته‌ام که به انضمام این مختصر به خدمتتان ارسال می‌گردد تا چنانچه صلاح بدانید، به چاپ رسد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. در پاسخ به فراخوان نشریه بایستی پاسخی مفصل تر تقدیم می‌داشتیم، ولی این فرصت فراهم نشد و این مقدار هم بر حسب وظیفه و از باب «المیسور لا یسقط بالمعسور» و «ما لا یدرک کله لا یترک کله» قلمی گردید. والسلام علیکم

ایام عزت و سعادت مستدام

سید ابوالحسن مطلبی

قم- ۱۳۸۵/۸/۲۸

پی نوشت‌ها:

۱. عبس (۸۰): ۲۴.
۲. کف (۱۸): ۱۰۴.
۳. «ادیات و تعهد در اسلام» ص ۵۹-۶۰، ۶۵، ۶۷، ۷۲، ۷۳.

بسمه تعالی

با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۲، ۴۸۸/۱/۱۱/د مورخ ۸۵/۹/۱ نظر کارشناس این دفتر به شرح ذیل اعلام می شود. دو ماهنامه آینده پژوهش، تلاشی است مآجور، و در فضایی که تعداد مجلات مربوط به اطلاع رسانی در حوزه کتاب، از انگلستان یک دست بیشتر نیست، مطالب ارائه شده در این حوزه مغتنم است. لهنذا مواردی به ذهن این جانب می رسد که فهرست وار عرض می کنم:

۱. با توجه به اینکه حدود پانزده سال از عمر آینده پژوهش می گذرد و هر سال جهان اطلاع رسانی و انقلاب الکترونیک برابر با حدود ده سال پیشرفت است، جای دارد که نگرشی دوباره در اهداف خود داشته باشیم و با ساز و کار جدیدی وارد عرصه علم و پژوهش شویم، چنانچه به روال سابق خود ادامه دهیم، به زودی آینده پژوهش شبیه کسکول های قرن های یازده و دوازده خواهد شد و باید دانست که خوانندگان امروز با خوانندگان پانزده سال پیش کاملاً متفاوت اند و رویکردهای دینی امروز با رویکردهای پانزده سال پیش تفاوت ماهوی دارد.

۲. به نظر می رسد جهت گیری نقد و بررسی ها باید تغییر یابد و سمت و سوی نقد در حوزه های مختلف علوم اسلامی به طرف کتاب ها و اندیشه هایی برود که اثر گذارند و چراغ راه آینده تفکرات اسلامی خواهند بود.

۳. یکی از عوامل حفظ و حیات مواریث و سنت ها شناخت خود و شناخت دیگران است. اگر تا دیروز روابط فرهنگ ها قومی و قبیله ای بود، چنان که جناب مهدوی راد در نامه خود تعبیر «قبیله قلم» را به کار برده اند، امروز فرهنگ جهانی مطرح است، پس برای حفظ خود باید فرهنگ های دیگر و ساز و کارهای آنها را بشناسیم. فرهنگ آشنا کردن جزء جزء جامعه، واکسینه کردن جامعه است، و گرنه بیماری همه جامعه را خواهد گرفت. لذا آینده پژوهش که مجله علمی- تخصصی است و در حوزه اطلاع رسانی فعالیت بسزا داشته است، مناسب ترین فضا را برای عرضه کالای فرهنگ اسلامی- ایرانی در اختیار دارد. به نظر می رسد علاوه بر بایسته های پژوهش که مدخلی بسیار سنجیده و مهم است، با توجه به رویکرد غربیان به اسلام، باید پژوهش های غربی نیز در حوزه اسلام و ایران در مجله گنجانده شود.

پیمان ملازاده

مدیر کل دفتر تهیه و تالیف متون و نشریات

سازمان تبلیغات اسلامی

بسمه تعالی

«به نام آن که هستی نام ازو گرفت»

حضور محترم سردبیر مجله آینه پژوهش جناب آقای محمد علی مهدوی راد

با سلام و تحیات فراوان

در پاسخ به سؤال های مطروحه نامه مورخ ۱۴۲۴/۹/۸ پ ۸۵ دیدگاه هایی را به شرح زیر معروض می دارد. حضرت عالی چنانچه صلاح دانستید، در شماره ویژه آن مجله ارزمند چاپ فرمایید.

ج ۱. بیست و چهار شماره.

ج ۲. یکی از ویژگی های آینه پژوهش، نقد و بررسی کتاب هایی است که در حوزه دین و عرفان و مسائل مربوط به آنها چاپ و منتشر می شود و کتاب های علوم انسانی با همه ابعادش که به طور مستقیم یا غیر مستقیم، با مسائل اسلامی اخلاقی در ارتباط است و بار تعهد بر دوش دارد. ادبیات متعهد- نیز معرفی، بررسی و نقد می شود.

از هر منظر که به این مجله وزین نگاه کنی، در کار خود توفیق یافته است. بنابراین آینه پژوهش در نقد و نظر کتاب های تازه چاپ در میان مجله های تخصصی دیگر جایگاه ویژه دارد.

از جهت اطلاع رسانی و ارزیابی کتاب های چاپ شده، بیشتر مطالب و مقالات مربوط به نقد و معرفی را مطالعه می کنم.

ج ۳. به عنوان معلمی که سی و اند سال عمر در کلاس های درس گذرانده، بارها به دانش آموزان این اصل را گفتم و اکنون نیز کوتاه می گویم که: دین، عرفان و ادبیات متعهد توأمان و به تعبیر تفکیک ناپذیرند. آبخشور ادبیات فارسی سرچشمه فیاض، جوشان و روان دین است.

مکتب علم آموزی دین و عرفان جوانی هوشیار، موقع شناس و با نشاط را در حلقه های درس خود نشاناند، پروراند و رشد و بالندگی داد و از سرچشمه پاك و شفاف دین تازگی و طراوت بخشید و ادبیات نام گرفت. در سایه این بالندگی و پویندگی، دینی به گردن دارد. پیوسته در ترویج و تبلیغ آیین مقدس اسلام و اشاعه فرهنگ آن کوشیده و از راه توشه شعر و نثر، پیام و کلام دین را به شیرین ترین وجه و زیباترین طرح در همه عصرها رسانده است.

بنابراین در کنار معرفی همه کتاب هایی که پیام آور فرهنگ دینی است، ضرورت معرفی و نقد و نظر کتاب های ادبی در قالب نظم و نثر بیش از آنچه هست، بایسته است.

گذشته از این، در این مقوله اولویت دادن به ادبیات فارسی شاید به نوعی جانبداری و تعصب صنفی باشد که از جوانی گریبان مرا گرفته است. با وجود این، اهمیت و جایگاه زبان و ادبیات فارسی نزد ایرانیان و فارسی زبانان بر هیچ کس پوشیده نیست. در این رهگذر مطالب بسیار مهم دیگر نیز هست که باید به چندی و چونی مجله افزود. توجه به منابع دست اول خارجی درباره اسلام و اسلام شناسی که عموماً اروپایی است، همچنین ترجمه آثار نویسندگان و دانش پژوهان زبان عربی و ترکی که ارتباط تگناتنگ با موضوعات و اهداف مجله دارد، ضروری است.

مترجمین توانا و دقیق باید پژوهش های اسلام شناسان خارجی را که منصفانه و خالی از هر نوع بغض عناد و ستیزه جویی می نویسند و حقایق و معارف اسلامی را در می یابند، به روان ترین و گویاترین وجه برای درج در آینه پژوهش ترجمه کنند و بشناسانند.

ج ۴. آینده پژوهش بخشی از مؤسسه بزرگ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است که بیشتر جایگاه عرضه نظر و عقیده پژوهندگان فاضل و متخصص حوزه است. به حکم قضیه مسلم «مُعرف و مُعرف» نظری ندارم، اما به آنچه معتقدم:

الف) زبان فارسی راروان، رسا، قابل فهم برای عموم جماعت درس خواننده و برابر با اصل مسلم دستور زبان، باید نوشت.

ب) بعضی متن های ترجمه شده به زبان فارسی که جای حرف بسیار دارد. بنگرید: به ترجمه بخشی از تاریخ قم در قرون میانه (ابعاد سیاسی و اقتصادی)، آینده پژوهش، ش ۸۸، ص ۴۲۵ به بعد. در اینجا از کم و کاستی ترجمه دیگر چیزی نمی گویم؛ چون به ضرورت در پاسخ به شماره ۵ به مسئله کار ترجمه اشاره خواهم کرد.

ج ۵. خوشبختانه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و دست اندرکاران علاقه مند و پرکار آینده پژوهش و دیگر سازمان های انتشاراتی در قم پی جوی این امر خطیر شده اند و در چاپ و انتشار متون ارزشمند فرهنگ گسترده اسلامی می کوشند. به طریق اولی متون کهن فرهنگ ایرانی اسلامی که اعتبار و ارزش خود را برای همیشه تاریخ حفظ کرده، نیز منظور گردیده است. بنابراین پاره ای را از مسائل که در نظر دارم، به اختصار باز می گویم:

یک: تجدید چاپ کتاب های مرجع و نیز کتاب های مجمع الامثال که سالیان گذشته در شهرهای قم و مشهد به طبع رسیده و چه بسا امروزه بسیاری از این نسخ گران قدر نایاب است و در دسترس همه خوانندگان نیست.

دو: معرفی و نشر نسخ نایاب و فاخری که در مخزن کتاب خانه های بزرگ شهر قم دچار توطئه ناشناختگی و گمنامی - البته برای عموم - هستند. جمله مکرر «خاک می خورند» دیگر موردی ندارد.

سه: گردآوری امثال زبان فارسی از بطون کتاب های نظم و نثر گذشتگان کاری سترگ و ماندنی که علامه بزرگوار دهخدا شروع کرد، اما اتمام آن را به عهده آیندگان گذاشت؛ چه امثال در کتاب های ادبی و غیره بسیار گسترده است.

چهار: ترجمه تاریخ ادبیات عربی برو کلمان از منابع معتبر تاریخ ادبیات عرب. این کتاب در اصل به زبان آلمانی بوده که بعدها به زبان عربی برگردانده شده است.

پنج: ترجمه عالمانه و استادانه دیوان های شاعران برجسته عرب زبان به فارسی، بی هیچ قصد فضل فروشی و زیاده نویسی.

در پایان بار دیگر سخن از ترجمه آمد. این نکته را بیفزایم که هنر ترجمه نه کار آسانی است و نه کار هر کسی، و حال آنکه مهارت یافتن در آن نیز ناممکن نیست. مترجم باید به دو زبان: زبان مادری با همه ریزه کاری هایش و زبان بیگانه با همه چم و خم هایش تسلط و قدرت داشته باشد. به همین علت است که مطلعان می گویند: مترجمان آگاه چون نویسندگان توانان از انگشتان دو دست فراتر نرفته اند.

به فرض اینکه این سخن را حمل بر مبالغه کنیم، اما به صحیح و سقیم بودن هنر و توانایی مترجم در امر ترجمه و قدرت قلم او در پروراندن موضوع و انتخاب موضوع از جهت دسترسی و توانایی به کار ترجمه در نهایت درستی و سلامت متن و حفظ امانت نویسنده، نباید شک کنیم؟ تنها به صرف دانستن زبان بیگانه، کار خطیر ترجمه سامان نمی گیرد.

با احترام

سید علی ملکوتی

۸۵/۸/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

دفتر مجله آینه پژوهش

با سلام و ادای احترام و آرزوی توفیق

در پاسخ به مرقومه شریف و اجابت تقاضای دوستان دانشمند و فرهیختگان گرامی، به استحضار می‌رساند: این جانب حدود ۷۰ درصد شماره‌های منتشره آینه پژوهش را تقریباً مطالعه نموده‌ام و در مطالعه آن دو مورد همیشه برایم جذابیت ویژه داشته است: یکی بخش نقد و بررسی کتب و دیگری اطلاع‌رسانی در خصوص برگزاری کنگره‌ها، همایش‌ها و معرفی آثار منتشره در این محافل.

اما چند مورد در خصوص مجله نیز در ذهنم متصور بود که با دوستان در میان گذارم. اول آنکه اختصاص شماره‌هایی از مجله به ویژه نامه کنگره‌ها و بزرگداشت‌ها، ضمن آنکه کاری بسیار ارزشمند است، لیکن پیشنهاد می‌گردد در چنین مواردی شماره ویژه نامه‌ها به صورت جداگانه منتشر و شماره پی در پی مجله به ویژه نامه اختصاص نیابد. این امر ضمن آنکه فرصت بیشتری را به دست اندرکاران می‌دهد تا اطلاعات بیشتری را در خصوص همایش‌ها و کنگره‌ها به خوانندگان ارائه نمایند، خوانندگان دائمی مجله را از پی‌گیری مطالب مورد نظر محروم نمی‌سازد. لذا پیشنهاد می‌گردد در چنین مواردی ویژه نامه‌ها خارج از روال معمول نشر و انتشار مجله روال عادی خود را داشته باشد.

دوم اینکه متأسفانه تا کنون کمتر از شخصیت‌ها و صاحب‌نظران در قید حیات در زمینه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی در مجله به خوانندگان اطلاعی داده شده است، مگر آنکه در بخش «درگذشتگان» به آن اشاره گردیده باشد! آیا بهتر نیست اگر مطلب یا مصاحبه‌ای از چنین افرادی در اختیار دارید، در زمان حیات ایشان منتشر گردد تا ضمن آشنایی نسل جوان با این عزیزان در صورتی که ایشان پس از انتشار مصاحبه یا گزارش سخنی دارند نیز قادر به ارائه نظر باشند. بسیار از نقدها و نظرها بعد از درگذشت صاحبان آثار مطرح است؛ در صورتی که اگر این امر در حیات ایشان صورت پذیرد، پاسخ بسیاری از شبهات و نقدها داده خواهد شد.

سوم اینکه چون بخشی از اهداف مجله، اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع است، بسیار شایسته است تا در این مورد مراکز علمی، فرهنگی، تحقیقاتی و پژوهشی و حتی کتابخانه‌های معتبر شهرستانی را حداقل در زمینه علوم انسانی و اسلامی به خوانندگان معرفی و به نحوی برقراری ارتباط با آنان، اهداف و محدوده فعالیت‌های چنین مراکزی را مطرح فرمایید. مسلماً همچنان که عالم به امرید معرفی یک کتاب منتشره فعالیت است بسیار ارزشمند، ولی گستره آن بسیار محدودتر از معرفی یک پژوهشکده یا یک مرکز تحقیقاتی فعال است؛ چرا که معرفی چنین مراکزی مشتاقان بسیاری را پاسخگوست. این امر حداقل می‌تواند با معرفی پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی آغاز شود و با سایر موارد ادامه یابد.

بسیار اتفاق می‌افتد که محقق و پژوهشگری با تحقیق و پژوهشی با همه مشکلات موجود در این زمینه آغاز یا به اتمام رسیده باشد و از وجود مراکز پژوهشی در این زمینه بی‌اطلاع باشد و نداند نتایج پژوهش مربوط را به کدام مرکز فرهنگی، پژوهشی ارائه نماید. معرفی سازمان‌های پژوهشی، فرهنگی و محدوده و حیطه عمل و دایره عملکردی ایشان قطعاً می‌تواند جنبه اطلاع‌رسانی بیشتری داشته باشد.

چهارم اینکه ضمن آنکه اغلاط چاپ مجله نسبت به سایر مجلات نسبتاً کمتر است، تلاش شود ان شاء الله این مورد نیز به حداقل خود برسد. موفقیت دست اندرکاران پرتلاش مجله وزین آینه پژوهش از خداوند منان مسئلت می‌نمایم.

حمیدرضا میرمحمدی

۸۵/۹/۲

باسمه تعالی

سر دبیر فرهیخته و استاد گرانقدر جناب حجت الاسلام مهدوی راد!

با سلام، سپاس و احترام فراوان خدمت جناب عالی و تمامی دست اندرکاران دلسوز و پرتلاش مجله و تمامی اندیشه وران، متفکران و پژوهشگران در حوزه دین که با آن مجموعه همکاری دارند، و با عرض خسته نباشید از ۱۷ سال تلاش بی وقفه، توان بر و طاقت سوز در انتشار مجله ارزشمند آینده پژوهش. برای شما و همکارانتان در تداوم هر چه بهتر این راه، توفیق روزافزون امید دارم.

آشنایی من با مجله آینده پژوهش از شماره ۴۰ به بعد بوده است و از تمامی بخش های مجله اعم از نقدها، گزارش ها و بعضاً مقالات به تناسب موضوع آن، به کمال بهره برده ام.

مجله آینده پژوهش در حوزه عام دین، به لحاظ اطلاع رسانی درباره کتاب های چاپ شده در خارج از کشور و به لحاظ نقدهایی که بر این نوع نگاشته ها منتشر می کند، از جایگاهی بی بدیل برخوردار است و به ویژه در مورد اخیر بعضاً از جسارت و شجاعت علمی ای برخوردار است که متأسفانه به دلیل ملاحظات مختلف کمتر در مجلات دیگر دیده می شود.

با این همه به برخی موضوعات کمتر توجه شده که پرداختن به آنها در صورت امکان، می تواند مفید باشد:
- ارزیابی دقیق و علمی از عملکرد مجله و مقایسه آن با مجلات مشابه و انعکاس قوت ها، کاستی ها و بایسته ها، به طور دوره ای در فواصل چند ساله؛

- معرفی و نقد کتاب های لاتینی؛

- ارائه گزارش از مجلاتی مانند اسلامیک استادیز اکسفورد (Islamic studies) که بخش اصلی آنها معرفی کتاب است؛

- بررسی های مجموعه ای در کنار بررسی های موردی از نگاشته های در یک موضوع یا در یک سبک؛ مانند کتاب های علوم قرآنی، کتاب های سمت، مجلات تخصصی دین و ...؛
- ارائه گزارش همراه با ارزیابی از کتاب های نمایشگاه بین المللی کتاب ایران و احیاناً نمایشگاه های کتاب در کشورهای دیگر.

با آرزوی توفیق هر چه بیشتر

نفیسی

۸۵/۱۰/۱۰

بسمه تعالی

اصحاب گرامی آینه پژوهش عزیز

با سلام و آرزوی دوام

از حی قیوم حیات بلند و قیام فرازند آن نامه گرامی را خواستارم.

۱. وقتی مطلع می شوم فلان مجله در فلان کشور اسلامی یا غیر اسلامی بیش از صد سال است منتشر می شود، بر بعضی از مجله های خودمان که جوانمرگ می شوند، تأسف می خورم. البته از درنیامدن خیلی شان خوشحالم؛ چون پوچ اند.

۲. برخی مجله های عهد طاغوت هنوز و همیشه به عنوان مصدر باقی اند، اما کدام مجله در جمهوری اسلامی عزیزمان درمی آید که برای آیندگان مرجع و مصدر باشند؟!

۳. یک مشکل مجلات ما این است که همه با معیار صفحه ای فلان مبلغ به نویسندگان پول می دهند و همه نوشته ها را با یک دید می نگرند.

حقیقت این است که بسیاری نوشته ها، لفاظی و رونویسی هستند و بی ارزش. دیگر اینکه به انتظار نشستن که کسی چیزی بنویسد. حال برای هر جایی و به هر منظوری. تا آن را چاپ کنند، نشریات ما را به انحطاط و سقوط می کشاند. باید موضوعاتی را پیشنهاد داد و از افراد قوی خواست تا در آن زمینه ها مقاله بنویسند و دست به پژوهش دست اول بزنند و پول خوب به آنها داد و با شهامت برای قیمت گذاری آنها اقدام کرد. البته کار سختی است، لکن با معیار از دم صفحه ای فلان مبلغ، اصحاب مجله از حرف این و آن راحت می شوند، امام مجله دچار ضعف می شود.

۴. نقد یکی از محورهای کار شماست. الآن نقد جدی کمتر نوشته می شود. واقعاً آیا ما افراد صلاحیت دار برای نقد نویسی نداریم؟ البته واقعاً نقد و چاپ آن شهامت می خواهد و این محافظه کاری و ملاحظه این و آن است که سبب درجا زدن ما است.

۵. چون ما یکی از مصرف کنندگان مهم کتاب های بیروت هستیم، پیشنهاد می شود کتاب های مهم که بد تحقیق شده اند، نقد شوند تا ناشران و مصححان آنجا هم بدانند همه خواب نیستند و به کارهای آنان توجه و رسیدگی می کنند.

۶. در راستای تشویق زحمتکشان و صالحان وادی تألیف و تحقیق و ترجمه، کارهای خوب معرفی و تقدیر شوند.

در پایان یادآور می شوم که باید به سراغ افراد شایسته و اهل کار- نه الزاماً افراد پرآوازه- رفت و از آنان خواست تا بنویسند. این گونه افراد سختشان است به اینجا و آنجا مراجعه کنند.

همین طور که اکنون صدمین شماره آینه پژوهش را جشن می گیرید، امید است با سلامت و استواری و عزم جزم زنده باشید و صدمین سال آینه پژوهش را جشن بگیرید. معلوم است وقتی کتاب خوب یا مجله شایسته ای درمی آید، در پشت آن خون دل ها، مرارت ها، بی خوابی ها، این در و آن در زدن ها و کوچک شدن ها نهفته است.

پایدار و بی قرار باشید

حسین واتقی

بسمه تعالی

جناب آقای جنتی

با سلامی چوبوی خوش آشنایی

در پاسخ به نامه محبت آمیز مورخ ۸۵/۷/۲۶ به امضای حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمد علی مهدوی راد (سلمه الله) به آنکه بنده، نه «استاد» است و نه «محقق»، جهت امثال امر معروض می دارد:

۱. از زمان آشنایی با مجله یعنی از شماره ۳۲ مرتباً مجله را مطالعه کرده ام.
 ۲. آنچه در زمینه پژوهش و نقد ادبی بوده، بیشتر جذآبیت داشته است و دارد.
 - ۳- وقتی عنوان مجله آینه پژوهش است، بی شک پژوهش باید مقدم بر سایر مطالب باشد.
 ۴. نقصان و عجز لازمه ذات آدمی است و آن کس که ناقص است، مصون نیست از خطا.
- از این اصلی کلی گذشته، شیوه فارسی نویسی در بعضی از مقالات، گهگاه، از رسائی و شیوائی به دور است.

۵. در زمینه هایی که دچار فقر هستیم: یکی از کتاب های مهم تاریخ ادبیات عربی، مثلاً کتاب معروف «کارل بروکلیمان» که به عربی هم ترجمه شده؛ ترجمه دواوین شاعران بزرگ عرب؛ بعضی از کتاب ها در نقد ادبی ...

با احترامات فائقه
علی محمد هنر